

مناسبات ایران عصر قاجاریه با شرکت نفت ایران و انگلیس با تأکید بر اسناد

محمد حسن نیا^۱

بررسی اسناد، به ویژه در تاریخ معاصر ایران، گویای مطالبی است که می‌تواند فرضیه‌ها و مباحثات تاریخی را زیر سؤال برده، جنبه‌های نهفته‌ای از تاریخ این مرز و بوم را هویدا سازد. از جمله این وقایع تاریخی که با استفاده از اسناد می‌تواند بیانگر نگاه‌های جدیدی به تاریخ معاصر باشد، مسئله نفت و مباحث مربوط به آن است. مکتوباتی که در مورد تاریخ نفت ایران نوشته شده است یا ترجمه از کتاب‌های خارجی است که با بینش خاصی نوشته شده یا کتاب‌های فارسی و تألیفاتی است که مطالب مشابه هم دارند و نگاه‌های مختلف از تاریخ نفت را مورد واکاوی قرار نمی‌دهند. یکی از مباحثی که با بررسی اسناد فارسی در مورد تاریخ نفت ایران مورد مذاقه قرار می‌گیرد، دیپلماسی فعال دولت ایران، به ویژه در عصر مظفری و احمد شاه، در قبال مسئله نفت است.

برخلاف آن چیزی که در مورد دیپلماسی منفعلانه دولت ایران در قبال مسئله نفت جنوب گفته می‌شود یا در منابع و مآخذ کمتر به آن پرداخته شده است، دولت ایران در این زمان به کمک کمیسر نفت کاملاً موضوع نفت جنوب را پی‌گیری می‌کرده است. در برخی از موارد، ما شاهد گزارش خواستن متوالی از داری و سندیکا امتیازات در مورد میزان حفاری و شیوه کار، میزان پیشرفت کار و مواردی از این قبیل هستیم و داری نیز در این مورد جواب‌گو بوده و پاسخ خود را به کمیسر یا مستقیم به دولت ایران می‌نوشته است. برخلاف نگاهی که در مورد ایران در ایام نهضت مشروطیت در سال‌های قبل و بعد از آن وجود دارد و نویسندگان زیادی عنوان می‌کنند که به سبب اوضاع سیاسی کشور، مسئله نفت برای دولت ایران مهم

۱. دکتری تاریخ دانشگاه تهران.

نبوده است، اسناد وزارت خارجه کاملاً عکس این نظر را ثابت می‌کنند و نشان می‌دهند که حکومت ایران حتی در سال‌های پر آشوب مصادف با ایام مشروطیت، نفت جنوب را پی‌گیری می‌کرد. در جواب یکی از این پی‌گیری‌ها، داری شرح اقدامات خود را به دولت ایران، خطاب به مؤتمن حضور چنین می‌آورد: «آقای عزیز! به هنگامی که در لندن به شرف ملاقات شما نائل شدم، از من سؤال فرمودید که آنچه در باب امتیاز نفت که شما مأمور آن هستید و تاکنون شده، اطلاع دهم، آن وقت به شما بیان کردم که تمام کار در حال تغییر است و فعلاً نمی‌توانم از باب امتیاز نفت به شما بگویم. بعدها غیر رسماً هر موقع شده، آنچه کرده شد و آنچه امید هست بشود، به شما اطلاع دهم و مقصودم از این کاغذ این است که غیر رسمی آنچه را ما می‌کنیم، به شما عرضه دارم. چنانچه به شما بیان کرده‌ام، کار قسمت شمالی امتیاز، یعنی قصر شیرین تمام شد و با ۲۵۰۰۰ لیبره مخارج ثابت و معلوم کردم که بهتر روغن در آنجا موجود است... علی‌ای‌حال مهندسین به جنوب ایران فرستاده شدند که مشخص کنند بهترین نقاط برای سوراخ کردن و از آنجا [کار] شروع شود و حفر نفت در این محل یا محل‌های دیگر در جنوب ایران شود مقدار کافی برای تجارت بیرون آید، سرمایه به جهت اولین استخراج کمپانی که اعلی حضرت شهریار ی دارند، پیدا می‌شود و مقدار مربع که متعلق به کمپانی است، شامل بهترین محل کشف خواهد شد و در ملکیت این کمپانی خواهد بود.»^۱ این اسناد و اسناد دیگری که خواهد آمد، به خوبی نشان دهنده پاسخگویی داری به حکومت ایران و کمیسر نفت که رابط بین حکومت ایران و نفت جنوب بوده است، می‌باشد که در کمتر منبع خارجی به آن اشاره می‌گردد.

در قبال موضوع مربوط به اختلافات بختیاری و سنندیکا نیز دولت ایران دیپلماسی فعالانه‌ای در پیش گرفته بود و همچنان که در بحث مربوط به واکنش دولت ایران در قبال قرارداد بختیاری‌ها و سنندیکا خواهد آمد، از پذیرش قرارداد خودداری کرد و حتی دولت‌مردان ایرانی از هر تلاشی برای حمایت از خوانین بختیاری در بسیاری از موارد فروگذار نمی‌کردند. یکی از این موارد، تلاش محمدعلی میرزای ولیعهد - که نایب‌السلطنه پیشین تبریز بود - در حمایت از لطفعلی خان شجاع‌السلطنه پسر حاج امام‌قلی خان ایلخانی است. او در نامه‌ای به وزیر امور خارجه وقت (میرزا نصرالله خان مشیرالدوله) خواستار حمایت وی از ادعای شجاع‌السلطنه در مورد وجود چشمه نفت در زمین‌های او می‌شود که سند این حمایت از این فرد در اسناد وزارت خارجه، این گونه آمده است:

«جناب مستطاب اجل اکرم مشیرالدوله، وزیر امور خارجه کمپانی انگلیس، با خوانین بختیاری در باب معدن نفت کنتراستی کرده است که اگر در خاک بختیاری معدنی مفتوح بکنند، مادامی که فایده مطلوب حاصل نشده است، به جهت استحفاظ عمله و آلات و ادوات و اجزاء این محل سالی مبلغی بدهند و پس از حصول مطلوب او فایده نفت هم علاوه بر آن مبلغ حقی به عنوان مالکیت ادا کنند. از فضای اتفاقیه معادن خاک بختیاری استعدادی نداشته است و در ملک زر خرید متصرفی لطفعلی خان شجاع‌السلطنه - که معروف

۱. اسناد بایگانی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۷ - ۸ - ۲۲ - ۱۳۲۴ هـ. ق.

به ماماتین است - چشمه مستعد به دست آورده‌اند. در این صورت سایر خوانین در ملک مشارالیه حق دخالت ندارند و خود مشارالیه هم از عهده حفظ اجزا و عملیات و آلات کار به تنهایی کاملاً برمی‌آید. و تعهدنامه معتبر هم می‌دهد که صارم‌الملک (نصیرخان) برادرش با جمعیت و استعداد کامل همیشه آنجا بگذارد. دیگر سایر خوانین حرف حسابی و شرعی و درستی در این ماده ندارند و از جناب عالی مخصوصاً خواهش دارم که بعد از ورود شجاع‌السلطنه، به حقانیت و انصافی که لازمه نظرات خودتان است، با او مساعدت کنید و نگذارید من غیر حق ملک زر خرید متصرفی او را دیگری، اگر چه برادر خود او هم باشد مداخله کند و چون مشارالیه را موقت به چاپاری مرخص کرده‌ام، زودتر احکام لازمه او را صادر کرده که برای صارم از ملک بفرستد و خودش به آذربایجان مراجعت کند. شهر محرم ۱۳۲۴»^۱.

دیپلماسی فعال‌تر دولت ایران را می‌شود در فشار دولت مرکزی در جهت تغییر مفاد قرارداد خوانین بختیاری با سندیکای امتیازات مشاهده کرد. با توجه به نقشی که دولت مرکزی در تعیین ایلخانی و ایلگی در سرزمین‌های بختیاری داشت، خوانین بختیاری نیز هر چند در بسیاری از موارد می‌دانستند که دولت مرکزی ضعیف است و نمی‌تواند کنترل کاملی بر اوضاع ایلات و عشایر داشته باشد، همیشه تلاش می‌کردند رضایت حکومت مرکزی ایران را همراه داشته باشند و در زمانی که خوانین بختیاری برای جلب نظر دولت مرکزی پیرامون حل اختلافات خود در تهران به سر می‌بردند و دولت مرکزی هم به آن‌ها فشار می‌آورد تا در شرایط قرارداد تجدیدنظر انجام دهند، سفارت انگلیس و مستشاران این سفارت از آمدن خوانین به تهران بدگمان بودند و در دفاع از امتیازنامه داری، به هر وسیله‌ای متوسل می‌شدند. در این راه از نامه‌نگاری به مقامات ایران و وزارت خارجه ایران نیز برای رسیدن به مقاصد خود استفاده می‌کردند. و نظرات موافق وزیر خارجه انگلیس با امتیازنامه داری و عدم تفسیر در قرارداد خوانین با سندیکای امتیازات را به وزارت خارجه ایران می‌نوشتند که در همین زمینه گرانت داف مستشار سفارت انگلیس در تهران این اقدام را انجام داد و نامه‌ای به وزارت خارجه ایران نوشت که البته نامه او بی‌پاسخ نماند و متن نامه فرستاده شده به وزارت امور خارجه ایران این گونه است:

هیجدهم جمادی الاول ۱۳۲۴

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیق افزا می‌گردد. در این اواخر خوانین بختیاری به عباسقلی‌خان اظهار داشته بودند تا اینکه قراردادی را که با کمپانی نفت داری داده‌اند، به طوری تغییر ندهند که اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاهی بتوانند آن را تصدیق فرمایند. دولت علیّه ایران اجازه نخواهند داد که از طهران بروند. بعد از آن عباسقلی‌خان خدمت جناب مستطاب اجل عالی رسیده فرموده بودید که قرارداد مزبور نباید تغییر یابد و جناب محتشم‌السلطنه که حضور داشتند، تصویب کرده بودند خوب است کمپانی نماینده به طهران بفرستد و با این سفارت دو دولت ایران در این باب مذاکرات نماید.

۱. اسناد بایگانی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۷ - ۸ - ۲۲ - ۱۳۲۴ق

فوراً عقیده جناب مستطاب اجل عالی را به دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان اطلاع دادم. حال جناب مستطاب اجل سر ادواردگری دستورالعمل داده‌اند جواب دهم که کمپانی نفت اظهار می‌دارد که به موجب امتیازی که اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی به آن‌ها اعطا فرموده‌اند، حق کامل دارند که به استثنای بعضی ایالات شمالیه، در کلیه ایران تفتیش نفت نمایند و به موجب فصل دوم امتیاز حق دارند هر قراردادی را که لازم بدانند، با اشخاص متفرقه ببندند؛ بنابراین کمپانی نفت راهی برای افتتاح این مسئله مشاهده نمی‌نماید. به اعتقاد وزیر خارجه اعلی حضرت پادشاه انگلستان، این عقیده کمپانی نفت صحیح است و به دوستدار دستورالعمل رسیده که در این کار معاونت نمایم. در این موقع احترامات فایقه قلبیه خود را تجدید می‌نمایم.»^۱ امضاء [ناخوانا]

مقامات دولت ایران نیز زمانی که می‌دانند دولت مردان انگلیسی از قراردادی که با یکی از تبعه آن‌ها انعقاد شده است، این همه برای آن‌ها مهم است و همواره در کار نفت جنوب دولت انگلیس دخالت می‌کند. که البته این دخالت در راستای اهداف درازمدت آن کشور که در سال ۱۹۱۴ ماهیت آن مشخص می‌شود، بوده است تا حدودی به خود آمده و در کنار در نظر داشتن منافع ملت خود، غیر قانونی بودن قرارداد ۱۹۰۵ خوانین و بختیاری‌ها را به دولت مردان انگلیسی گوشزد می‌کنند و عنوان می‌کنند که بدون اطلاع و تصویب دولت ایران صاحبان املاک در ایران نمی‌توانند قراردادی را با شخص یا شرکتی انعقاد کنند و دولت مردان ایران علی‌رغم نارضایتی خود از قرارداد با دیپلماسی فعال خود به نامه‌های رسمی سفارت انگلیس از طرف وزارت خارجه ایران و نصرالله مشیرالدوله وزیر امور خارجه وقت ایران جواب می‌دهند تا راه را بر هر گونه بهانه‌گیری دوباره سندیکای نفت ببندند و این مهم را می‌شود در نامه مشیرالدوله به سفارت انگلیس در جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ به خوبی دریافت. مشیرالدوله وزیر امور خارجه ایران به نامه سفارت این چنین پاسخ داد: «مراسله آن جناب فخامت همراه مورخه ۱۸ شهر جمادی‌الاول ۱۳۲۴ دائر به اظهارات خوانین بختیاری مجددت و فخامت همراه عباسقلی خان نواب در باب قرارداد کمپانی نفت واصل شده و در جواب اشاره‌ای که به فصل سوم امتیازنامه نموده‌اید، محترماً زحمت اظهار می‌دهم قراردادی که در فصل سوم امتیازنامه ذکر شده است، فقط راجع به اجازه یا خرید اراضی است که صاحب امتیاز می‌تواند با صاحبان اراضی قرار می‌دهد، و الا قرارداد اولیه اکثر غالب حقوق آن راجع به حقوق دولت است و صاحبان اراضی نمی‌توانند بدون اطلاع و تصویب دولت علیه با احدی قرار بدهند و این قرارداد را که کمپانی خواسته است با خوانین ببندد، به هیچ وجه دولت ایران نمی‌تواند تقبل نماید و همان وقت که سواد قرارداد مزبور را به وزارت امور خارجه ارسال داشتید، به قصد جواب نوشته شد که این قرارداد را دولت علیه نمی‌تواند تقبل نماید و همان وقت که سواد قرارداد مزبور را به وزارت امور خارجه ارسال داشتید، به قصد جواب نوشته شد که این قرارداد را دولت علیه نمی‌تواند پذیرفته و امضاء نماید و در مراسله مورخه شهر نیز بر حسب شکایت شجاع‌السلطان در این باب شرحی زحمت افزا شده و جواب دادن به معزیه‌الیه منتظر است که جواب آن جناب فخامت همراه

۱. اسناد بایگانی و وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۵ - ۸ - ۲۲ - ۱۳۲۴ق.

برسد نصرالله مشیرالدوله.»^۱

البته این نامه علاوه بر نپذیرفتن قرارداد از سوی دولت ایران، می‌تواند حاوی پیام دیگری نیز در مورد عدم پذیرش قرارداد باشد و آن این موضوع است. دولت مرکزی بعضی از این اراضی در سرزمین بختیاری را متعلق به خود می‌دانست و حاضر نبود که تمام این قلمرو را جزء خاک بختیاری به حساب آورد. علاوه بر آن، نمایندگان و سفرای ایران در خارج از کشور نیز مسایل مربوط به نفت را دنبال می‌کردند و با دیپلماسی فعال خود روابط انگلیسی‌ها با صاحبان املاک در مناطق نفت خیز را در کشورهای اروپایی و از جمله شهر لندن زیر نظر داشتند. در این زمینه می‌توان به نامه‌ای از سفارت ایران در لندن در مورد روابط علیقلی‌خان بختیاری سردار اسعد با انگلیسی‌ها اشاره کرد، در این نامه آمده است:

«جناب حاجی علیقلی‌خان بختیاری سردار اسعد با دو نفر از اقوامشان در این اواخر در لندن بودند و دید و بازدید داشتند به طوری که خاطر مبارک مستحضر است، خوانین مشارالیه در پاریس هستند و از آنجا به لندن آمده بودند؛ به قدر دو هفته ماندند. مسیو پریس قنصل جنرال سابق انگلیس در اصفهان - که حالا وکیل مسیو داری صاحب امتیاز نفت جنوب ایران است و از قدیم با خوانین آشنایی دارد و چند سال قبل هم به طوری که اطلاع دارید، از طرف مسیو داری به بختیاری رفته بود برای قطع و فصل بعضی دعاوی آنها - اغلب با حضرات بود تقریباً هر روز و هر شب در رستوران‌های معتبر لندن به ناهار و شام مهمانشان می‌نمود و ظاهراً تمام به خرج مسیو داری بود. در اغلب این مهمانی‌ها از انگلیسی‌هایی که در ایران بوده یا مربوط به ایرانند، یکی دو نفر دعوت می‌نمود. یک شب هم که چند نفر از رؤسای بانک شاهنشاهی و یک نفر از اعضای پارلمنت را که به ایران سفر کرده بود دعوت نموده و از فدوی هم خواسته بود که بروم، ولی نتوانستم بروم. مستر لینچ هم که از قدیم آشنایی و سر و کار با بختیاری‌ها دارد، یک شب در پارلمنت به شام دعوتشان نمود. به طوری که خاطر حضرت اشرف مسبوق است مستر لینچ حالا چندی است که اجزای پارلمنت شده است و چون باید عصرها و شب‌ها را در پارلمنت بماند این است که حضرات را در آنجا مهمانی نموده بود و بعد از شام به تماشای پارلمنت رفته، در این مهمانی هم فدوی نتوانست حضور به هم رساند. یک شب هم مسیو داری خودش دعوت به شام نموده بودشان. به قدری که تا به حال فدوی فهمیده است، قرار تازه با (مسیو داری) در مدت توقف در لندن نداده‌اند. با مستر لینچ هم قرار و مدار تازه نداده‌اند و اگر خبری بعدها معلوم شد، البته به عرض می‌رساند. از قراری که مسموع شد، پولی به توسط لینچ در اینجا قرض کرده‌اند. گویا به ضمانت عایدات راه اهواز الی اصفهان که امتیازش با بختیاری‌ها است ولی در این باب هنوز به طور یقین نمی‌دانند.

یک روز هم سردار اسعد با «سر چارلز هاردینگ» رئیس وزارت خارجه ملاقات نمود، به طور دوستانه؛ زیرا که اوقاتی که در تهران شارژ دافر بود، از قرار مذکور با سردار اسعد آشنایی و خصوصیت داشته است و در ملاقات ادوارد کتابچی‌خان (در مدت توقف بختیاری‌ها در لندن مترجمی برای آنها می‌نمود) حضور داشته و

۱. اسناد بایگانی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۲ - ۸ - ۲۲ - ۱۳۲۴ق.

مترجمی می‌نمود و از قرار مذکور تمام صحبت خصوصی بود محض اطلاع خاطر مبارک. به عرض مراتب فوق جسارت شد. مورخه ۱۵ جمادی‌الاول ۱۲۶ [۱۳] فدوی مهدی [امضاء]^۱

دیپلماسی فعال مجلس شورای ملی در قبال شکل‌گیری شرکت نفت ایران و انگلیس

علی‌رغم اهمیت مناسبات مجلس با شرکت نفت ایران و انگلیس، تاکنون مطالعه مستقلی، هرچند اندک، در این زمینه صورت نگرفته است. هرچند زمانی که قرارداد داری در سال ۱۹۰۱ میلادی با دولت ایران امضا شد، مجلس شورای ملی شکل نگرفته بود، اما پس از تأسیس مجلس می‌بایست تمام قراردادهای منعقد شده با دولت ایران از منظر مجلس می‌گذشت و قرارداد داری نیز از این امر مستثنی نبود. علاوه بر این، در صورت مذاکرات مجلس نیز با ظرافت خاصی نمایندگان درباره امتیاز داری و شرکت نفت ایران و انگلیس به مباحثه پرداخته‌اند. این فصل از نوشتار در پی این است تا با استفاده از منابع دست اول به مناسبات مجلس شورای ملی و شرکت نفت ایران و انگلیس و واکنش مجلس شورای ملی به شکل‌گیری شرکت نفت و زمینه‌های آن بپردازد و نشان دهد که مجلس مشروطه راجع مهم‌ترین قرارداد نفتی خاورمیانه چه دیدگاه و عملکردی داشته است و آیا در مجلس مشروطه به عملکرد شرکت نفت ایران و انگلیس پرداخته شده است؟ اگر این مهم صورت گرفته است، تا چه اندازه عملکرد این نهاد قانونگذاری بر روند شکل‌گیری و توسعه شرکت نفت ایران و انگلیس تأثیرگذار بوده است؟.

نفت ایران نقش تأثیرگذاری در سمت و سوی حوادث کشور در یک صد سال اخیر تاریخ ایران داشته و به تبع آن بر عوامل اجرایی و قانونگذاری کشور نیز تأثیرگذار بوده است. علاوه بر آن، نفت ایران را باید در فضای جهانی و رقابت‌های بین‌المللی مورد بررسی قرار داد و نقش مجلس شورای ملی را در این فضا بررسی کرد و اینکه چرا موضوع نفت علی‌رغم مهم بودن در مجلس دوره اول و دوم مورد کم لطفی قرار گرفته است را باید در تحولات ایران در عصر مشروطه، قرارداد ۱۹۰۷ و تقسیم ایران، فشارهای سیاسی روسیه و انگلیس به ایران و دخالت در امور کشور توسط دو دولت و در نهایت عدم اکتشاف نفت در خوزستان و جنوب ایران دانست و اینکه قرارداد داری اولیین قراردادی نبوده که در آن به موضوع استخراج نفت پرداخته شده است. در قرارداد روتتر، هوتز، بانک معادن نیز ما شاهد دادن مجوز برای حفرچاه‌های نفت و کشف این ماده در ایران هستیم که هیچ کدام از آنها موفق به اکتشاف نفت نشدند و چه بسا اگر نفت در سال ۱۹۰۸ کشف نمی‌گردید، داری و گروه او نیز به سرنوشت قراردادهای گذشته دچار می‌گردید، بنابراین برای روشن شدن بهتر موضوع ابتدا مباحثی و لو اندک راجع به چگونگی قرارداد و اینکه زمانی که قرارداد منعقد شد، مجلس شورای ملی وجود نداشت، چه کسانی قرارداد را امضا کرده بودند و شرایط و مفاد آن چه بوده است، به صورت مختصر آورده می‌شود و بعد به انعکاس قرارداد داری و مسائل مربوط به شرکت نفت ایران و انگلیس در مجلس شورای ملی، به ویژه مجلس اول و دوم، پرداخته می‌شود.

۱. اسناد بایگانی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۸۷ - ۱ - ۱۳ - ۱۳۲۶ - ق

عملکرد شرکت سندیکای امتیازات در دوره مشروطه

پس از استقرار رژیم مشروطیت و وضع قانون اساسی به موجب ماده ۲۴، اعطای هر نوع امتیاز و بستن هرگونه عهدنامه و موافقتنامه، منوط به تصویب مجلس سنا و شورای ملی گردید که قرارداد داری نیز از این قانون مستثنی نبوده و یکی از اقدامات مجلس اول مذاکره در مورد این قرارداد بود. این نقطه آغاز فرایندی بود که طی آن مسئله نفت و عملکرد مجلس در ارتباط با همدیگر قرار گرفتند. به همین منظور در مجلس اول مذاکراتی در مورد مقررات امتیازنامه و عملیات شرکت نفت به میان آمد^۱ یا به عبارت دیگر تحت تأثیر افکار عمومی و به سبب سوءظن شدید مردم نسبت به امتیازی که از طرف شاه ایران بدون مشورت با مردم داده شده بود، این موضوع در مجلس اول که نمایندگان فرصتی به دست آورده بود، مورد بررسی قرار گرفت.^۲

در یکی از جلسات مجلس شورای ملی، نمایندگان از وزیر معادن می‌خواهند تا امتیازنامه داری را به مجلس آورد و پیرامون آن توضیحاتی بدهد؛ توضیحاتی که به روشن شدن قضیه کمک کند. در جلسه پنجم ذی‌حجه ۱۳۲۴ هـ. ق. وزیر معادن وقت ایران در مجلس حاضر می‌شود تا به پرسش نمایندگان پاسخ دهد. لازم به ذکر است در دوره اول مجلس شورای ملی ایران، اشخاص خارجی نیز می‌توانستند در مجلس حاضر شوند و با اجازه مجلس سخن گویند؛ از این رو عبدالعلی صدری (صدیق السلطنه) کمیسنر نفت و پسر آنتوان کتابچی نیز به مجلس آمدند تا اگر لازم است توضیحاتی بدهند. میرزا جواد سعدالدوله یکی از نمایندگان خواستار توضیحاتی درباره امتیازنامه نفت داری از دولت شد.^۳ برای اینکه در فضای آن روز مجلس شورای ملی قرارگیریم عین مباحثه در مجلس را می‌آوریم.

آقاسیدمحمدتقی - آقای سعدالدوله جناب وزیر معادن امروز دو روز است که تشریف می‌آورند در مجلس. سعدالدوله - خیلی زحمت فرمودند غرض از تشریف آوردن ایشان چه بود؟ آقاسیدمحمدتقی - شما ایشان را خواسته بودید در باب معدن. سعدالدوله - یکی در عمل معدن نفت بود که امتیازنامه آن را خواستیم؛ آیا امتیازنامه را آورده‌اند؟ وزیر معادن (مهندس الممالک) - بله حاضر است. سعدالدوله - اگر مجلس صلاح بداند یک کمیسیون برای تحقیق آن آماده کنند. آقا سید محمد تقی - این امتیازنامه را بخوانید، بعد کمیسیون مقرر نمایند. (امتیازنامه را خواندند) صدیق حضرت - در فصل اول لفظ انحصار دارد، در نسخه فرانسوی ترجمه آن غلط شده است؛ می‌خواهید بخوانم؟ (خواندند) وزیر معادن - این ترجمه‌ای است که وزارت خارجه داده است.

۱. روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، ص ۵۸.

۲. فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۲۶۷.

۳. طاهری، از شکست تا پیروزی ماجراهای نفت، ص ۹۰ و ۹۱؛ فاتح، همان، ص ۲۶۸.

سعدالدوله - کدام معتبر است؟ غالباً این امتیازنامه را صاحب امتیاز می‌نویسد و یک تقدیمی می‌دهد که (متن امتیاز او را معتبر نماید)، نه اصل را، غرض این است که ملت بداند تفصیل کنترت و امتیازنامه‌های ما با خارجه به چه ترتیب است و چگونه تقلبات می‌کنند... اگر این گونه تقلبات نبود، ملت برای چه مجلس را ایجاد می‌کرد؟ این مجلس برای برداشتن همین خرابی‌هاست. در آن فصلی که علاوه بر صدی شانزده از منافع، مبلغ دو هزار تومان به دولت عایدی می‌دارد. امتیاز آن را هم واگذار کردند به او که علاوه از صدی شانزده که باید به دولت بدهد، آن دو هزار تومان را هم بدهد.

سعدالدوله - حالا می‌دهد؟

وزیر معادن - هنوز نداده است، می‌گوید که باید من تحقیقات کنم و هنوز این معادن در تصرف من نیست و من نمی‌دهم، جواب دادیم که ما نباید به تصرف شما بدهیم معادن آنجا هست، باید بفرستید رسیدگی نمایند چاه بکنند تا معادن بیرون بیاید و این پول را باید بدهد حق ندارد و خواهیم گرفت و در جواب و سؤال هستیم.

سعدالدوله - چند سال است؟

وزیر معادن - شش سال است.

سعدالدوله - حالا چه کار می‌کنند؟

وزیر معادن - در دو مکان کار می‌کنند.

سعدالدوله - این شرط است که تا چند مدت اگر دایر نکرده، امتیاز باطل باشد؟

وزیر معادن - بله آن فصل می‌رسد.

سعدالدوله - تا حالا کمپانی کرده است؟

وزیر معادن - بنا بود دو سال اگر کمپانی تشکیل ندهند، باطل باشد. چون دو سالش تمام شد و دید چاه‌های نفت درست بیرون نیامده که بتواند کمپانی تشکیل کند، با بعضی از رفقای خودش شرکتی دایر کرد که اسمش را شرکت معدن نفت گذاشته فصلی در این باب گذاشته است و در قرارنامه نوشته است که باید عملجات از اهل ایران باشند، ولی او از عثمانی و هندی آورده است، ولی حالا تلگرافی شده است که عملجات ایرانی هستند، مگر سی نفر.

سعدالدوله - ولی بنده شنیدم که اغلب بغدادی و عثمانی و هندی هستند.

حاج معین‌التجار (بوشهری) - بنده پارسال دیدم که عملجات آن‌ها ایرانی بودند، ولی آن تشکیل کمپانی که قرار بود بکنند، نکردند.

سعدالدوله - از پول خودش کمپانی کرده است، فرقی نمی‌کند.

وزیر معادن - هنوز از کیسه دولت چیزی نرفته است و ضرری هم به دولت نرسیده. تلگرافی قرائت شد که رئیس تلگراف رامهرمز کرده بود به وزیر معادن که عملجات معدن فعلاً همه ایرانی هستند و سی نفر از خارجه هستند.

سعدالدوله - آن سی نفر چه قبیل اشخاص هستند؟

وزیر معادن - سی نفر.

رییس - نایب رییس و دکتر ماکینه چی (متصدی و کارشناس ماشین) و عملیات علمی هستند.

سعدالدوله - راپرت من پس صحیح است که یهودی‌های بغدادی و هندی در آنجا هستند.

وزیر معادن - آن در معدن قصرشیرین بود که کتابچی خان کمیسر بود و از اینجا تلگراف کردیم و نوشتیم

که آن‌ها را معزول کردند.

صدیق السلطنه (عبدالعلی خان صدیقی) - علاوه بر راپورت‌های خودم، آن تحقیقات تلگرافی از تلگراف‌خانه

رامهرمز و این هم شرحی است سردار اسعد فرمودند که عملیات تمام ایرانی هستند، مگر سی نفر.

(آن فصل قرائت شد که بیست هزار لیره از بابت امتیاز داده شده است.)

سعدالدوله - آن بیست هزار لیره چه شد؟

وزیر معادن - به امین‌السلطان اتابک داده شد و قبض اتابک هم در دست است. این هم سواد قبض.

سعدالدوله - در این کار، کمیسر پسر کتابچی خان بود؟

وزیر معادن - اول خود کتابچی، بعد پسرش شد. حال دو سال است که با صدیق السلطنه است.

سعدالدوله - ما باید بدانیم چرا بی‌جهت او معاف شده است از این خدمت؟

وزیر معادن - برای همین عیوبات بود که این مجلس تشکیل شد. بر گذشته‌ها اعتراض نیست. ان‌شالله

از این به بعد ترتیبات صحیح خواهد بود.

سعدالدوله - اینکه می‌گوییم برای این است که بعداً بی‌جهت کسی را از خدمت معاف نکنند.

آقا میرزا محسن - او (کتابچی خان) رعیت ایران بود؟

سعدالدوله - بلی رعیت شده بود.

صدیق السلطنه - کتابچی خان ارمنی و رعیت دولت ایران است.

رئیس (مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله) - این مطلب را گفتید و چیزی به خاطر رسید؛ آیا دولت نمی‌تواند

نوکر خود را عزل نماید؟

سعدالدوله - به قاعده نظام‌نامه بی‌جهت و بی‌تقصیر نه.

آقا میرزا محسن - صحیح است که استحقاق عزل ندارند، ولی اگر بگویند که چهارسال تو در این خدمت

نفع بردی، حالا دیگری ببرد چون کار کم است و اشخاص زیاد، این چطور است؟

سعدالدوله - بعد کار زیاد پیدا خواهد شد و همه صاحب کار می‌شوند این قدر کار پیدا شود که آدم برای

آن نباشد، اما به شرط آنکه کار برای آدم باشد نه آدم برای کار. نگویند چون فلانی بیکار بود، به او کار دادیم.

(بعداً امتیازنامه ختم شد. آن فصل اخیر که هر گاه میان نسختین فرانسه و فارسی اختلافی پیدا شد،

فرانسه مقدم است، مطرح شد)

سعدالدوله - در هیچ جا همچو چیزی نشده است که زبان خارج با اولویت بر زبان خودشان می‌دهند.

جناب صدیق السلطنه شما در این مدت که کمیسر بوده‌اید، چه کار کرده‌اید؟

صدیق السلطنه - بنده در آن سفر در رکاب همایون رفته بودم به سفر فرنگ، مأموریت این کار به بنده رجوع شده است، یک سفر رفتم به لندن. در آنجا با صاحب امتیاز ملاقات کرده و از بابت امتیاز نفت سؤال کردم، گفتند عجلتاً در قصر شیرین تعطیل کرده‌ایم با ۲۲۵ هزار لیره مخارج در اینجا به نفت رسیدیم و حالا خیال دارند مهندسین به طرف جنوب که نزدیک به ساحل است بفرستند، امتحانات به عمل بیاورند هر وقت مهندسین را فرستادیم و نقاطی که برای سوراخ کردن لازم است پیدا کردند، هر اقدامی که شد به شما اطلاع خواهیم داد. این است که حالا در ساردین و ممتین مشغول هستند و قبل از شروع راپورت اقدامات را داده بود.

سعدالدوله - شما هیچ آنجا رفته‌اید؟

صدیق السلطنه - هنوز نرفته‌ام منتظر بودم که چاه نفت بیرون بیاید بروم کمیسر سابق هم نرفته بود.

سعدالدوله - شما کمیسر دولتید. باید بروید آنجا باشید و ببینید چه می‌کنند.

صدیق السلطنه - تا حال مأموریت برقتن نداشته‌ام و منتظرم نفتی ظاهر بشود، هر نوعی که وزارت معادن دستورالعمل دادند، عمل کنم.

آقا میرزا طاهر (تنکابنی) - بگوئید حقوقشان را می‌گیرند یا نه؟

سعدالدوله - البته می‌گیرند.

آقا میرزا طاهر - مقصود همین است دیگر بروند برای چه؟

رییس (مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله) - دیگر این‌ها خارج از مسئله است خارج نشوید.^۱

سعدالدوله - عرض این بود این راپورتی که به من داده بودند در باب عملجات، که خارجه هستند، مجلس خواست در این باب کیفیت امتیاز او را بدانند که به چه ترتیب است حالا که فهمیدیم ایرانی هستند ولی باید آن سی نفر که خارجه هستند هم معلوم کنید چه کاره هستند. اگر در معدن نفت چیزی غیر از نفت استکشاف شود به چه صورت است؟

خیاط باشی - آن صندوق‌هایی را که بردند از قصر شیرین به خارجه، آن‌ها چه بوده است؟

سعدالدوله - پس می‌دائید چرا نمی‌گویید؟

وزیر معادن - شما سندی دارید از برای این مطالب یا اینکه به شما گفته‌اند و می‌گویند؟

خیاط باشی - عرض می‌کنم این مطلب را کسانی که آنجا را دیده‌اند، گفته‌اند.

صدیق السلطنه - آن وقت که در قصر شیرین چاه می‌کنند، بنده مأمور نبودم، کتابچی خان بود.

آقاسیدمهدی - اثبات آن هم ممکن است، هستند اشخاصی که اطلاع دارند.

سعدالدوله - این که گفتم کمیسر دولت باشد به خاطر این کارهاست، هر گاه کمیسر بود، دیگر این حرف‌ها زده نمی‌شد.

آقا سید محمد تقی - کمیسر را بعضی نمی‌دانند خوب است فارسی بفرمایید.

۱. طاهری، همان، ص ۹۱ - ۹۴.

سعدالدوله - من زبانم عادت کرده است نمی توانم مدتی فکر کنم برای معنی یک لفظ، شانزده سال است غیر از این نمی توانم بگویم. عذر می خواهم، بعدها آقایان بدانند که من چه می گویم، مقصود از کمیسریست و هم کمیسیون و کمپانی اینها همه فرانسه است.

سیدحسن تقی زاده - عرض می کنم تا چندی قبل این ترتیب امتیاز دادن و امتیاز گرفتن در ایران معمول و مرسوم نبوده است. همه اینها برداشت از خارجه است. این امتیاز نامه ها را اغلب صاحبان امتیاز می نویسند. به ترتیب آنجا وقتی ترجمه بشود. زیادت خیلی دارد... .

رییس (صنایع الدوله) - البته باید بعدها به نظر مجلس برسد، اصلاح خواهد شد.

سعدالدوله - مقصود خیاط باشی (صندوق هایی که از قصر شیرین به خارجه برده اند...) از میان نرود.

وزیر معادن - اگر سند داشته باشد صحیح است.

خیاط باشی - سند را هم تحصیل می کنیم و اثبات می نماییم.

حاجی سید باقر - من خودم آنجا بوده ام که چند قاطر بار کرده بودند، می بردند هر چه جو یا شده ایم که چه چیز است، گفته اند خاکی است که می برند.

پسر کتابچی آن خاک معدن نفت بوده است که برای امتحان برده اند.

سعدالدوله - معلوم شد، می گویند خاک همان معدن بود.

حاجی معین التجار - رسم است وقتی چند ذرع چاه کنند، قدری از آن خاک را برای امتحان حمل می کنند می برند.

سیدالحکما - برای امتحان یک بار، یک لنگه، چه قدر باید ببرند؟ بار هم برای امتحان است.

رییس (صنایع الدوله) - شش نفر از برای کمیسیون تحقیق این مطلب معین شدند.

سعدالدوله - بسیار خوب مشغول شوند.^۱

مباحثات بالا به خوبی درک نمایندگان مجلس را از اوضاع نفت کشور و چگونگی تعامل آنها را با انعقاد امتیاز داری را می رساند و نشان می دهد که مجلس مشروطه چه رویکردی با نفت کشور در پیش گرفته بود. البته این مذاکرات مربوط به مجلس اول می باشد. ولی با این وجود نشان از عدم آگاهی نمایندگان از مسائل مربوط به نفت دارد. هر چند ممکن است نکات مهمی هم چون بی خبری کمیسری از اوضاع حفاری در کشور را هم بیان کرده باشد، اما هنوز در آن دوره نمایندگان درک درستی از قراردادهای نفتی و مسایل سیاسی مربوط به نفت نداشتند. به همین خاطر نیز مذاکرات آنها در مجلس که به صورت پراکنده صورت می گرفت، نمی توانست تأثیرگذار باشد.

از دیگر مباحث صورت گرفته در مجلس، بحث مربوط به خط تلگراف بود. پس از آن که نفت در مسجدسلیمان به دست آمد، لازم ترین اقدام کشیدن خط تلگراف و تلفن بود، خط تلگراف، مسجدسلیمان را به بندر خرمشهر ارتباط می داد. این اقدام بدون اطلاع نمایندگان ایران در مجلس دوم صورت می گرفت.

۱. میرزا صالح، مذاکرات مجلس اول، ص ۱۰۵ - ۱۰۷؛ فاتح، همان، ص ۲۶۸ - ۲۷۲.

افتخارالواعظین از نواب وزیر امور خارجه پرسید که چندی قبل خبر کشیدن سیم تلگراف از خرمشهر تا معادن نفت گزارش شده است. وزیر پست و تلگراف این خبر را تکذیب کرده و «فرمودند که اقدامی در کشیدن سیم تلگراف نشده». او می‌خواست از زبان وزیر امور خارجه درستی خبر را بشنود که پاسخ صحیحی نشنید. در روز بیست و سوم شوال ۱۳۲۸ آقا شیخ غلامحسین هم از وزیر امور خارجه پرسید که طبق قرارداد داری شرکت نفت جنوب می‌بایست سالی دو هزار تومان بابت حق الامتیاز کشف و استخراج نفت بپردازد. سؤال در مورد پرداخت یا عدم پرداخت این مبلغ بود، وزیر امور خارجه پاسخ داد که این سؤال مربوط به وزارت فواید عامه است. دو هزار تومان هم باید به وزارت عامه داده شود و آن وزارتخانه مبلغ مزبور را به وزارت مالیه بدهد،^۱ اما «در این خصوص معلوم شده است که کمپانی نفت غفلت کرده است و این وجه را از قرار تحقیقاتی که شده است تا به حال به وزارت فواید عامه نداده است و وزارت امور خارجه هم بنا به اظهارات وزارت فواید عامه اقدامات کرده است و بالاخره کمپانی نفت راضی شده بود که ۱۱ هزار تومان از این بابت بدهد به وزارت مالیه، از قرار تحقیق و حسابی که ما کرده‌ایم، تقریباً ۱۸ هزار تومان باید بدهد به واسطه اینکه نه سال است و سالی دو هزار تومان باید داده باشند و در این مدت به واسطه هرج و مرج سابق یا کسی مطالبه نکرده است یا اگر مطالبه کرده‌اند، نداده است. در هر حال دولت نگرفته است و حالا هیئت دولت در حال گرفتن است و این بدیهی است که دولت از حق خودش نخواهد گذشت و خواهد گرفت با اینکه کمپانی هم از دادن حق دولت نباید مضایقه داشته باشد و البته این پول را تمام و کمال به دولت خواهد داد.^۲

باز در مجلس دوم در مورد گمرکات و حقوق گمرکی از شرکت نفت بحث به میان آمده و عنوان شده است. «ولی خیلی متعجبم که آقای حاج عزالممالک مسبوق نیستند از موقع جغرافیایی و تجارتهای اهواز اولاً عرض می‌کنم موقع جغرافیایی اهواز را درست مسبوق شویم که خیلی اهمیت دارد کلیه چیزهایی که از هند می‌آید و در کار وارد می‌شود و همچنین کمپانی لنچ و غیره و کلیه اجناسی که از انگلیس و تمام اروپا وارد می‌شود در اهواز گمرک می‌شود و امروز یک موقع مهمی پیدا کرده است. به جهت این کمپانی نفت که آلات و ادواتی که وارد می‌کند از گمرک معاف است و حتماً باید تفتیش شود. عیبش این است که وزیر مالیه اینجا نیست که یاد آور شوم که هیچ تفتیش نمی‌شود و غالباً این بارهای سر به مهر و این صندوق‌هایی که به موجب راپورت‌هایی که به من رسیده است، ایداً تفتیش نمی‌شود. این بارهایی که سر به مهر وارد می‌شود و مضر است یا نافع امروز ایراد می‌شود که برای هر نقطه یک نفر بلژیکی معین کرده‌اند آنجا هم بیشترند که آن بارها را از گمرک خارج کنند حالا وزیر مالیه نیست که اظهار بدارم وزیر پست تازه که حضرت والا باشند تشریف دارند و خودشان مقرر کرده‌اند که از راه اصفهان به اهواز پستی به تازگی باز شود و بنده عرض می‌کنم که اگر اداره گمرک مهمی در اهواز نداشته باشیم، اهواز از چنگ ما خواهد رفت

۱. آبادیان، بحران مشروطیت در ایران، ص ۵۹۸.

۲. همان، ص ۵۹۸ و ۵۹۹.

و ناچاریم در اهواز گمرک داشته باشیم و به این واسطه است که بنده اهمیت می‌دهم و اهمیت گمرک آنجا از محرمه بیشتر است. شما نمی‌دانید وارداتی که امروز برای کمپانی نفت می‌آید چه چیز است و چقدر است. شما نمی‌دانید چقدر اهمیت دارد این کارون علیا و سفلی است و این در همان جایی است که گمرک اهواز فیلی اهمیت دارد و شایان خیلی توجه است بیش از این نمی‌خواهم تصدیق بدهم همین قدر عرض می‌کنم که خیلی اهمیت دارد.^۱

در جایی دیگر در جلسات مجلس در مورد اهمیت نفت در گمرکات آمده است «از طرف دیگر با پیدا شدن چاه نفت عدّه زیادی از اروپایی‌ها به آنجا (خوزستان) وارد شده‌اند و مراودات بین کنسولگری انگلیس و گمرک خیلی زیاد شده است. برای اجرای مواد امتیازنامه (اوایل سندیکات) سؤال و جواب تازه هر روزه در بین هست و ناچار برای حل این مسائل و جواب دادن به آن مطالب وجود اشخاص مجرب و کاردان دیپلومات لازم است که بتواند به خوبی از عهده خدمت کاملاً بر آید باز با وجود همه تغییرات اساسی اهواز مأمورین گمرک آنجا به حال اولیه یا تقریباً به همان حال باقی هستند و نتیجه آن شده است که همه مردم شاکی هستند و سفارت انگلیس شکایت می‌کند، زیرا که خیلی کارهای کمپانی که هرگاه مأمور قابل بود، ممکن بوده در همان جا اصلاح شود رجوع به تهران شده و در همان جا ختم گردیده است.»^۲

این مطالب به خوبی تأثیر شرکت نفت را بر جامعه ایران و نظام اداری و اقتصادی خوزستان نشان می‌دهد و حساسیت مجلس در مورد مسائل مالی و گمرکات به خوبی در این مباحثات نمایان است. در مجموع نشان می‌دهد شرکت نفت چه پیامدهای مثبت یا منفی بر تاریخ اجتماعی جنوب ایران داشته است. در کنار صورت مذاکرات مجلس، اسنادی از وزارت خارجه نیز در دست است که نشان از دیپلماسی مجلس در قبال مسئله نفت در سال‌های ۱۹۰۱ - ۱۹۱۴ دارد. از جمله در سال ۱۳۲۹ هـ ق یکی از نمایندگان از وزیر امور خارجه می‌پرسد: «کمپانی نفت جنوب به موجب قرارنامه باید سالی دو هزار تومان از بابت چشمه‌ها و چاه‌های سابقه نفت علاوه از حقوق مقرر به دولت بپردازند. آیا تاکنون مبلغ مذکور پرداخته است یا خیر؟^۳ یا در سندی که درخواست مجلس از وزارت امور خارجه است و تاریخ آن به ۹ ذیحجه ۱۳۲۴ هـ ق بر می‌گردد آمده است: «جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای علاءالسلطنه وزیر امور خارجه - دام اقباله - چون برای بعضی توضیحات و تحقیقات صورت قراردادهای کمپانی نفت جنوب لازم شده مقرر فرمایند و وزارت جلیله امور خارجه به زبان فارسی و فرانسه قراردادهای متعلق به عمل کمپانی جنوب را صورت نوشته و استنساخ کرده به مجلس ارسال دارند که توضیحات لازمه زودتر به عمل آید. ایام اقبال بر دوام باد».^۴

دو سند فوق نیز نمونه‌هایی از درخواست مجلس از وزارت خارجه است که به صورت محدود انعکاس و تأثیرگذاری در جامعه ایران در ابتدای سده بیستم در مورد مسئله نفت داشته است و آن چنان که می‌بایست

۱. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، جلسه ۱۸۰، ص ۱۸۰.

۲. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، جلسه ۱۸۰، ص ۱۸۰.

۳. اسناد بایگانی وزارت امور خارجه سند شماره ۲۵ - ۳۰ - ۵۴ - ۱۳۲۹ هـ ق.

۴. اسناد بایگانی وزارت امور خارجه سند شماره ۶۸ - ۱ - ۲ - ۲۱ - ۱۳۲۴ هـ ق.

بین نهاد قانون‌گذاری و نهاد دیپلماسی پیوند عمیقی برقرار نبوده است. از دیگر مباحثی که در مجلس راجع به مباحث نفت به آن پرداخته شده است، مسئله دخالت انگلیس در خوزستان و نفوذ بین‌بختیاری‌ها و شیخ خزعل است. سلیمان میرزا از اعضای مجلس و رهبر ملی‌گراها در مجلس در مورد روابط شرکت نفت با رؤسای محلی عنوان می‌کند: «از دو سال پیش انگلیس استقلال را از ایران گرفته است. از آنجایی که بریتانیا بیشتر سهام شرکت نفت را تصاحب کرده است، مه غلیظی از هرج و مرج جنوب ایران را پوشانده است. در خوزستان که شرکت نفت در حال توسعه و فعالیت است، مردمش تحت تابعیت شدید شیخ خزعل و خوانین بختیاری قرار دارند بریتانیا از آنها حمایت می‌کند و برای خودشان آنجا پادشاهی به وجود آورده‌اند. این شرایط به وجود آمده از عدالت و انصاف به دور است و این شرایط فقط برای خوانین فؤدال و شرکت نفت خوب است و برای بقیه مشکلاتی را به وجود آورده است. این کشور اکنون برای حملات روس‌ها در شمال و حملات انگلیسی‌ها در جنوب مهیا است و قبل از کشف نفت هم به عنوان سپر محافظ هندوستان نقش ایفا می‌کرده است.^۱ این اظهار نظر به خوبی حساس بودن طیف ملی‌گرای مجلس نسبت به استقلال کشور و عدم دخالت انگلیس به بهانه شرکت نفت در سال‌های یاد شده را می‌رساند و نشان می‌دهد که مسئله نفت چقدر باعث دخالت انگلستان بین خوانین بختیاری و شیخ خزعل شده است و استقلال کشور را به خطر انداخته است.

دیپلماسی دولت ایران در قبال قرارداد دریاداری با شرکت نفت ایران و انگلیس و خرید سهام شرکت نفت ایران و انگلیس توسط دولت انگلیس

دولت، وزارت خارجه و نمایندگی‌های سیاسی ایران، تمام اخبار مربوط به قرارداد دریاداری با شرکت نفت ایران و انگلیس را بررسی می‌کردند و سفارت ایران در انگلیس این اخبار و صورت مذاکرات پارلمان انگلیس را به صورت لاتین و ترجمه شده به وزارت امور خارجه ایران می‌فرستادند. مقالات روزنامه‌های معتبر انگلیس نظیر روزنامه تایمز، دیلی تلگراف و غیره نیز که اخباری راجع این قرارداد داشتند نیز به صورت ترجمه شده و متن اصلی از طریق سفارت ایران در لندن به وزارت امور خارجه ایران فرستاده می‌شد که در ادامه برخی از این گزارش‌ها آورده می‌شود.

در مورخه ۲۹ محرم ۱۳۳۲ گزارشی به این مضمون از اداره انگلیس وزارت امور خارجه ایران به وزارت تجارت و فواید عامه فرستاده می‌شود: «سفارت دولت علیه از لندن به موجب راپرتی که سوادش را لفا ملاحظه خواهند فرمود به وزارت امور خارجه اطلاع می‌دهند که هیئت در... مارس اعزام شده اند که در حدود عثمانی و ایران نقاطی را که نفت دارد معاینه و راپرت آن را به وزارت بحری انگلیس بدهند و اگر راپرت هیات مزبوره در باب نفت ایران مفید واقع شود با کمپانی نفت ایران قرارداد عمده منعقد خواهند

1. Saifpour Fatemi, Nasrollah, *Oil Diplomacy*, New York: Whittier Books INC. 1954, p. 43

کرد. ^۱ اما اصل گزارش که به وزارت خارجه فرستاده شده بود به این صورت بود: «مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه، از قرار اطلاعی که حاصل شده است، این اواخر هیئتی مرکب از امیرالبحر انگلیس (آدمیرال sleade که مدت‌ها فرمانده اسکادر در هندوستان بود) و دو نفر نفطشناس به خلیج فارس رفته‌اند که حدود ایران و عثمانی را که نفط دارد ملاحظه کرده از چگونگی نفط و فراوانی آن به وزارت بحری انگلیس راپورت بدهند. جهت این است که دولت انگلیس می‌خواهد در جهازات خود به جای ذغال نفط استعمال کند؛ یعنی برای قوه متحرکه جهازات، فعلاً هم دولت انگلیس چند جهاز جنگی دارد که در آن نفط استعمال می‌شود. قصد این است که در تمام جهازات نفط به کار ببرند که هم با صرفه‌تر و هم تمیزتر و بی‌زحمت‌تر است و اگر راپرت هیئت مزبور در باب نفط ایران خوب بشود، دولت انگلیس با کمپانی نفط ایران قرارداد بزرگی contrat خواهد گذاشت برای خرید نفط بدیهی است برای فروش نفت ایران خیلی خوب و برای کمپانی بسیار نافع خواهد بود تا به حال هم چند بار وزارت بحری انگلیس از کمپانی نفط ایران نفط خریده ولی مختصر بوده و قرارداد دائمی هنوز ندارد.» ^۲

همان طور که مشاهده می‌شود، تمام گزارش‌های مرتبط به فرستادن هیئت به ایران جهت تحقیق در مورد وجود نفت در ایران از طریق دولت ایران پی‌گیری می‌شده است و حتی در این گزارش‌ها از کمپانی نفت ایران نام برده می‌شود و به جای اسناد انگلیس که نامی از دولت ایران نمی‌برند و تمام نقش را به روسلی انگلیس شرکت نفت ایران و انگلیس می‌دهند، اسناد فارسی این قرارداد را به نوعی قرارداد دولت انگلیس با نفت ایران قلمداد می‌کنند و در کنار آن دولت‌مردان ایرانی قرارداد فروش نفت با دریاداری را به نفع شرکت نفت ایران و انگلیس می‌دانند و حتی از فروش نفت به دریاداری به مقدار محدود در زمان‌های پیش از این خبر می‌دهند.

باز در همین زمینه دیپلماسی ایرانی و سفارت ایران در انگلیس کار هیئت تحقیق در مورد وجود نفت در ایران را پی‌گیری کرده و در گزارش محرمانه سفارت ایران در انگلیس به وزارت امور خارجه ایران آمده است: «سابق عرض کردم که از طرف دولت انگلیس هیئتی به حدود امتیاز نفط لیران می‌رود و محض اینکه تفتیش نموده اگر استعداد آن را خوب دید، وزارت بحری انگلیس قرار می‌گیرد با کمپانی برای خرید نفط بگذارد و معلوم می‌شود هیئت تفتیشیه خوب بود چون دولت انگلیس این قرار را این روزها با کمپانی نفت گذاشته است، به موجب این قرارداد به کمپانی حق داده است. به دولت انگلیس که هر قدر نفط در حدود امتیاز کمپانی خارج می‌شود حق خرید اول آن را دولت انگلیس داشته باشد و در عوض دولت انگلیس دو میلیون لیره به کمپانی داده است. هنوز نمی‌دانم قرارداد امضاء شده یا نه تا شرایط آن معلوم نشود ضرر و نفع آن واضح نخواهد بود. آنچه حالیه به نظر می‌آید، این است که کار کمپانی اختصاص به دولت انگلیس پیدا کرده در باب ختم قرارداد او امروز مطلع شدم نیز محرمانه مطلع شدم که وزیر بحری انگلیس همین روزها در

۱. آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۶۸ - ۲۴۰۰۲۶۷۴۶.

۲. آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۷۲ - ۲۴۰۰۲۶۷۴۶.

پارلمنت بیانی در این باب خواهد کرد با اطلاع کمیسر دولت علیه مشغول تحقیقات و اقدامات لازمه هستیم.^۱ در سند فوق به خوبی پی‌گیری و دنبال کردن مسائل مربوط به انعقاد قرارداد با دریاداری را از سوی مأموران دولت ایران به وضوح می‌بینیم. آنها حتی اخبار محرمانه در مورد زمان برگزاری جلسه پارلمان در مورد بحث بر سر موضوع قرارداد فروش نفت به دریاداری را هم به ایران مخابره می‌کردند تا دستگاه دیپلماسی به خوبی بتواند در جریان امر قرار گرفته و در صورتی که تصمیماتی علیه دولت ایران یا مسائل مربوط به نفت ایران اتخاذ می‌گردد، دولت ایران بتواند از خود دفاع کند، ولی نکته جالب اینجاست که هیچ نماینده‌ای از ایران در این مذاکرات حاضر نبوده است و حتی کمیسر و نماینده شرکت نفت ایران و انگلیس به این مجمع دعوت نشده است. اما با وجود آن کمیسر ایران در شرکت نفت ایران و انگلیس که از موضوعات مربوط به قرارداد آگاهی پیدا می‌کرد. اخبار را به اطلاع سفارت ایران در انگلیس می‌رساند و در یکی از این گزارش‌ها که در مورخه ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۳۲ از سفارت لندن به وزارت خارجه ایران فرستاده شده، آمده است: «صدیق‌السلطنه عرض می‌کند که کمپانی نفت موفق به بستن یک قرارداد با وزارت بحری انگلیس شده که سالی مقدار معین نفت به وزارت بحری برساند هنوز به امضای طرفین نرسیده، ولی در عرض یک هفته می‌رسد و به این واسطه به اعتبار کمپانی افزوده و عن قریب سرمایه زیادی فراهم نموده، عملیات خود را در محل امتیاز توسعه می‌دهد. اسهام در ترقی و فقط به اندازه‌ای است که نمی‌توانند تسویه نمایند، لهذا درصدد بنای رافینری دیگری هستند.»^۲

این گزارش علاوه بر اینکه به نقش کمیسر در دادن اخبار به سفارت ایران در انگلیس می‌پردازد، نشان می‌دهد که کمیسر نفت نیز انعقاد قرارداد را گامی مثبت برای شرکت نفت ایران و انگلیس قلمداد می‌کرده و عنوان می‌کند که با توجه به درخواست‌های زیاد باید پالایشگاه دیگری نیز بسازند.

سفارت ایران در انگلیس علاوه بر اخبار و اطلاعاتی که از کمیسر و دیگر مأموران می‌گرفت و به وزارت خارجه ایران می‌فرستاد، در زمان‌هایی خودش نیز گزارش‌های مفصلی تهیه می‌کرد و به ایران می‌فرستاد که بسیار گزارش‌های مفصل، دقیق و به شیوه تحلیلی بود. از جمله این گزارش‌ها، گزارشی است به شماره ۸۹/۳۳۵ مربوط به ۴ رجب ۱۳۳۲ ق. در این گزارش آمده است: «مقام متیع وزارت جلیله خارجه، سال گذشته همین اوقات به عرض رساندم که دولت انگلیس هیئتی تحت ریاست امیرال اسلید به جنوب ایران و به حدود امتیاز کمپانی نفت انگلیس و ایران می‌فرستد. محض اینکه تفتیش نموده و اگر نفت خوب و به قدر کفاف است، با کمپانی معامله برای خریدن نفت برای وزارت بحری انگلیس بشود چون دولت انگلیس می‌خواهد در تمام جهازات جنگی خود به جای ذغال نفت استعمال کند و می‌خواهد سرچشمه مطمئن و خوبی برای تحصیل نفت داشته و طوری باشد که در هیچ موقعی نه در موقع جنگ و نه در وقتی که که قیمت نفت ترقی کند، تحصیل نفت برای وزارت بحر دشوار نباشد و جهازات انگلیس معطل نمانند و

۱. آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۶۳ - ۲۴۰۰۲۶۷۴۶.

۲. همان.

مخصوصاً به این جهت خیلی مایل بود که چنین معامله را بکند. ختم مذاکرات و نکات عمده شکل معامله را تلگرافاً به عرض رساندم. حالا هم کتاب آبی را که شامل صورت قرارداد است، با همین پست حضور مبارک می‌فرستم؛ همچنین اصل و ترجمه مقاله‌های اساسی طایمس را با مقاله دیگری که در توضیح این معامله در وزارت بحری طایمس طبع نموده است، لفا تقدیم می‌دارم. آقای صدیق‌السلطنه کمیسر دولت علیه راپورت این مسئله را مفصلاً به عرض دولت خواهد رسانید.^۱

به طوری که تلگرافاً عرض کردم، برای اینکه این اقدام را دولت انگلیس بکند، اجازه پارلمان لازم است و بنا بود روز دوشنبه گذشته وزیر بحر لایحه قانونی راجع به این مسئله از پارلمان بگذرانند، ولی چون کارهای فوری دیگر بود و به تأخیر افتاد، نهم ژوئن این کار را خواهد کرد. انتظار می‌رود که خیلی مباحثه و ضدیت هم در این باب بشود و در ضمن مباحثه طرف پلیتیکی این معامله یقیناً به تفصیل مذاکره خواهد شد. چندی است گفتگوی قرارداد ۱۹۰۷ انگلیس و روس در میان است و این معامله این مسائل را پیش خواهد آورد. روزنامه طایمس اهمیت پلیتیکی این معامله و نفوذی که طبعاً دولت انگلیس باید در حدود امتیاز نفت پیدا کند تشریح کرده است. خاطر مبارک را تلگرافاً و کتباً از هر چه در این خصوص حاصل شود، مستحضر خواهیم نمود. فعلاً خواستم هر چه زودتر مقاله‌های طایمس و قرارداد به حضور مبارک برسد.^۲

همان طور که در ابتدای مبحث نیز عنوان گردید، سفارت ایران در انگلیس فعال‌ترین نقش را در دیپلماسی ایران در مورد قرارداد دریاداری با شرکت نفت ایفا می‌کرد. این سند به خوبی جنبه‌های نهفته دیگری از این دیپلماسی را نمایان می‌سازد و مواردی چون فرستادن کتاب آبی، اصل مذاکرات و ارتباط بین سفارت ایران در انگلیس با کمیسر شرکت نفت ایران و انگلیس که یک ایرانی است را روشن‌تر می‌سازد. مهم‌ترین کاری که سفارت ایران در انگلیس انجام داد، این بود کتابچه نطق‌های صورت گرفته در پارلمان انگلیس را به وزارت خارجه ایران فرستاد و طی گزارشی که از سفارت ایران در انگلیس به تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۱۴ به وزارت امور خارجه ایران ارسال شده، این گونه آمده است: «نکات عمده مذاکرات مجلس و کلاء راجع به معامله که دولت انگلیس با کمپانی نفت نموده است، تلگرافاً به عرض رساندم. حالا هم کتابچه نطق‌ها را که مخصوصاً برای پارلمان چاپ می‌شود و تمام نطق‌ها را بدون کم و کسر دارد می‌فرستم با خلاصه ترجمه که... نموده است قسمت‌های عمده نطق‌ها و هر چه مهم است در کتابچه گذاشته‌ام. در اینجا به طوری که ملاحظه فرموده‌اید، به نتایج پلیتیکی که این معامله ممکن است پیدا کند خیلی قیمت می‌دهند. تقریباً تمام جراید انگلیس در این باب هم‌اورد هستند. در پارلمان هم به این مطلب خیلی اهمیت داده شد و طرفداران ایران که هیچ وسیله را برای همراهی ایران از دست نمی‌دهند، در این مورد هم نطق‌های مساعد با ایران نمودند خاطر مبارک مخصوصاً به نطق رامزی مکدونالد Ramsy Macdonald و مستر ویلسن و مستر پانسابی، مستر مورل، مسترهاروی و مستر میسن متوجه می‌کنم. وزیر خارجه در نطق خود در باب

۱. آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۶۰ - ۲۴۰۰۲۶۷۴۶.

۲. آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۵۹ - ۲۴۰۰۲۶۷۴۶.

اینکه آیا محافظت لوله‌های نفت لازم خواهد شد و در صورتی که لازم شود... ممکن است بیاناتی نمودند که خیلی مهم است و تلگرافاً عرض کردم و در ترجمه و اصلی که اینک فرستاده می‌شود، علامت گذاشته هم عقیده بعضی‌ها این است که اظهارات وزیر خارجه در باب صاحب‌منصبان انگلیسی برای قشون این هم علامت این است که دولت انگلیس این مطلب را در تحت ملاحظه داده و حقیقتاً هم این بیانات بسیار مهم است چون به طوری که خوب می‌دانید، اول دفعه است که از طرف دولت چنین اظهاری شده است و سابقاً هر وقت حرف به میان می‌آمد، همیشه می‌گفتند حفظ امنیت باید.^۱

البته در این سند از منتقدان چرچیل نام برده شده است و آن‌ها را موافقان ایران قلمداد کرده است که این موضوع زیاد درست به نظر نمی‌رسد. ممکن است آن‌ها در صحبت‌های خود با قرارداد درباری با شرکت نفت ایران و انگلیس مخالفت کرده باشند، اما هدف اصلی آن‌ها از این کار این بود که این قرارداد ممکن است اعتراض روسیه را در بر داشته باشد و در درازمدت به ضرر انگلیس باشد یا مسئله حفاظت از مناطق نفت خیز را پیش می‌کشیدند که حفاظت از این مناطق ممکن است هزینه اضافی بر دوش دولت یا حکومت هند بگذارد. بنابراین مخالفت آن‌ها با چرچیل در راستای اهداف دراز مدت و منافع ملی انگلیس بوده است. لازم به ذکر است چه در زمانی که قرارداد درباری با شرکت نفت ایران و انگلیس و خرید سهام این شرکت توسط دولت انگلیس در شرف انعقاد بود و چه زمانی که خبر انعقاد قرارداد به وسیله مسئولین دولت ایران به دولت و وزارت خارجه ایران می‌رسید، ما در اسناد و مدارک شاهد عکس‌العمل‌های مخالف با قرارداد از سوی دولت ایران و مجلس ایران هستیم.

در این زمان بود که دولت ایران پس از پی بردن به اخبار قرارداد، نسبت به آن به شدت به وزیر مختار بریتانیا اعتراض کرد و وزیر مختار بریتانیا ابتدا مشارکت دولت انگلیس در شرکت نفت ایران و انگلیس را انکار کرد و بعدها عنوان کرد که این یک قرارداد فروش نفت است و ربطی به دخالت دولت انگلیس در شرکت نفت ایران و انگلیس ندارد و دولت انگلیس که در آن مخالفت دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس را در بر داشته باشد، در هر صورت نمایندگان مجلس شورای ملی ایران نیز به این امر اعتراض کردند و نارضایتی و دلواپسی ملت ایران را نسبت به این امر مطرح ساختند و خیابانی گفت قرارداد مربوط به داری بوده است و نمی‌توانست آن را به دشمنان ایران واگذار کند. او می‌گفت که این ریاکارانه است و انگلیس نمی‌تواند با به دست آوردن قرارداد در ایران نفوذ کند؛ بنابراین بازیگران پشت پرده قرارداد داری انگلیسی‌ها بودند؛ بنابراین قرارداد تقابلی غیر مطمئن و اغفال کننده است و وزیر امور خارجه ایران مطمئن بود که مجلس تغییری در روابط شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت ایران نمی‌تواند به وجود بیاورد و مطمئن بود که دولت انگلیس از سهام خود در شرکت نفت ایران و انگلیس دفاع خواهد کرد.^۲

در این زمان که دوران سلطنت احمد شاه در ایران است و همین طور که در خلال اسناد بررسی شده

۱. آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۵ - ۲۶۰۰۲۶۷۵۵.

2. Nasrollah Saifpour Fatemi, *Ibid*, p 26.

مشاهده گردید، برخی دولت‌مردان موافق قرارداد نیز بودند؛ البته ریشه خیلی از این مسائل را نیز باید در فضای سیاسی و نفوذ انگلیس در کابینه‌های دولت ایران در آن زمان جستجو کرد. ممکن است دولت‌مردان ایرانی نیز همانند مدیران شرکت نفت ایران و انگلیس فکر می‌کردند که برای توسعه شرکت نفت و فروش بیشتر نفت توسط شرکت نیاز به کمک مالی زیاد است و قرارداد فوق‌علی‌رغم مضرات آن می‌تواند این مشکل شرکت را حل کند.

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که موضوع مداخله دولت انگلیس در شرکت‌های نفتی فقط محدود به شرکت نفت برمه و شرکت نفت ایران و انگلیس نمی‌گردید، بلکه شرکت‌هایی چون شل و شرکت نفت ایجل مکزیک نیز به نوعی خواستار دخالت دولت انگلیس در شرکت خود بودند و شرکت نفت ایجل مکزیک در سال ۱۹۱۳ از دولت انگلیس درخواست وام پنج میلیون لیره‌ای می‌کند و در عوض به دولت انگلیس پیشنهاد می‌دهد تا امور این شرکت را بر عهده بگیرد. شرکت رویال داچ شل نیز که مناسبات حسنه‌ای با لرد فیشر داشته است برای نزدیکی با دولت انگلیس پیشنهاد می‌دهد که در هیئت مدیره شرکت شل فردی از طرف دولت انگلیس باشد. اما به دلایل سیاسی و اقتصادی درباری با شرکت نفت ایران و انگلیس قرارداد می‌بندد و دولت انگلیس علی‌رغم اینکه به تجارت آزاد اعتقاد دارد، پس از مباحثات فراوان در کابینه و پارلمان آن کشور ۵۱ درصد از سهام شرکت نفت ایران و انگلیس را می‌خرد و از آن به بعد نفوذ دولت انگلیس در شرکت نفت چندین برابر می‌شود و به نظر می‌رسد این قرارداد هزینه لازم را برای ادامه کار شرکت نفت ایران و انگلیس فراهم می‌کند و شرکت می‌تواند نفت خود را به درباری انگلیس بدون بازار رقابتی بفروشد.

از طرف دیگر دولت انگلیس نیز در یک مدت زمان مشخص نفت مورد استفاده خود را از درباری به قیمت مشخص و بدون نوسان در زمان جنگ یا صلح اندکی زیر قیمت بازار خریداری می‌کند و کنترل شرکت را نیز در دست دارد و با گماردن دو تن از هیئت مدیره که دارای حق وتو باشند، نظارت خود را بر شرکت نفت بیشتر می‌سازد. اما این اوضاع به نفع دولت مرکزی ایران از نظر سیاسی نیست و به سبب همین مسئله است که دولت و مجلس ایران پس از باخبر شدن از انعقاد قرارداد درباری با شرکت نفت ایران و انگلیس به شدت به آن اعتراض نشان می‌دهند، چون می‌دانند که این قرارداد زمینه‌های نفوذ انگلیس را در ایران بیشتر و بیشتر می‌سازد. در مجموع می‌توان گفت که نیاز درباری انگلیس به یک منبع مستقل نفت که زیر نظر دولت انگلیس باشد از یک طرف و نیاز شرکت نفت ایران و انگلیس به کمک‌های مالی جهت ادامه فعالیت شرکت از دلایل اصلی انعقاد قرارداد شرکت نفت ایران و انگلیس با درباری انگلیس بوده است و برای اینکه شرکت کاملاً زیر نظر دولت انگلیس باشد، در سال ۱۹۱۴ دولت انگلیس ۵۱ درصد از سهام شرکت نفت ایران و انگلیس را می‌خرد و عمده‌ترین سهام‌دار شرکت می‌گردد.

منابع:

- آبادیان، حسین، بحران مشروطیت در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳.
- آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۵ - ۲۴۰۰۲۶۷۵۵.
- آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۵۹ - ۲۴۰۰۲۶۷۴۶.
- آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۶۰ - ۲۴۰۰۲۶۷۴۶.
- آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۶۳ - ۲۴۰۰۲۶۷۴۶.
- آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۶۸ - ۲۴۰۰۲۶۷۴۶.
- آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۷۲ - ۲۴۰۰۲۶۷۴۶.
- اسناد بایگانی و وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۵ - ۸ - ۲۲ - ۱۳۲۴ هـ. ق.
- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۷ - ۸ - ۲۲ - ۱۳۲۴ هـ. ق.
- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۷ - ۸ - ۲۲ - ۱۳۲۴ هـ. ق.
- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۸۷ - ۱ - ۱۳ - ۱۳۲۶ هـ. ق.
- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه سند شماره ۲۵ - ۳۰ - ۵۴ - ۱۳۲۹ هـ. ق.
- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه سند شماره ۶۸ - ۱ - ۲ - ۲۱ - ۱۳۲۴ هـ. ق.
- روحانی، فؤاد، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۲.
- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، جلسه ۱۸۰، ص ۱۸۰.
- طاهری، ابوالقاسم، از شکست تا پیروزی ماجراهای نفت، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات، ۲۵۳۵.
- فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت ایران، تهران، نشر علم، ۱۳۸۴.
- میرزا صالح، غلامحسین، مذاکرات مجلس اول، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۸۴.
- Saifpour Fatemi, Nasrollah, *Oil Diplomacy*, New York: Whittier Books INC. 1954

سند شماره ۱

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره محاسبات کل

به تاریخ ۱۱ جدی ۱۳۲۸

نمره خصوصی ۶۱۸۵

کارتون ۳۹

دوسیه ۸

دیوان محاسبات

اداره خزانه به بابت حق‌الورود نفت به شرحی به وزارت مالیه نوشته است که سواد آن را لفا ملاحظه

می‌نمایید کسر عمل این عایدی از قرار ریزی که خود آن اداره قلمداد می‌کند. بایستی ششصد و هشتاد و شش تومان و پنج هزار تشخیص بشود نه هفتصد و هشت تومان و پنج هزار. یقیناً در این باب سهو کرده‌اند. به هر حال نظر به ملاحظاتی که اداره خزانه بیان می‌نماید و به مناسبت فقدان قاعده و ترتیبی صحیحی در وضع این مالیات و نیز به واسطه تعسر تفتیش در اصول جمع‌آوری این عایدی که به چند سبک مختلف در سنه ماضیه دریافت شده وزارت مالیه تصویب می‌نماید که دیوان محاسبات ششصد و هشتاد و شش تومان و پنج هزار کسر عمل را به جمع اداره خزانه محسوب ندارند.

امضاء: ناخوانا

۴ - ۲۴۰۰۰۸۴۶۱

سند شماره ۲

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره محاسبات کل

به تاریخ ۷ جدی ایت ثیل ۱۳۲۸

نمره خصوصی ۶۰۱۶

کارتون ۳۹

دوسیه ۸

به کمپانی نفت

مبلغ دو هزار تومان به توسط کمپانی (ایران و انگلیس) نفت به بابت منافع چاه‌های قدیم نفت نفت از اول اکتبر ۱۹۱۰ لغایت اول اول اکتبر ۱۹۱۱ عاید گردد.

امضاء: ناخوانا

۳ - ۲۴۰۰۰۸۴۶۱

سند شماره ۳

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت مالیه

خزانه کل ممالک محروسه

به تاریخ ۲۷ شهر قوس ۱۳۲۸

نمره ۸۱۹۸

وزارت جلیله مالیه

در جزو جمع... طهران مبلغ دو هزار و ششصد و پنجاه تومان از بابت حق الورد نفط جمع و در سنه ماضیه

تخاقوی ئیل ۱۳۲۷ از بابت مأخوذی شاهزاده مؤیدالدوله و موقردالدوله و خزانه آنچه به نزد مباشر محل باقی است، کلیه یک هزار و سیصد و هفتاد و چهار تومان و شش هزار و یک صد دینار به اداره خزانه عاید شده. می‌شود و مبلغ پانصد و هشتاد و هشت تومان و هشت هزار و نهصد دینار هم از بابت عایدی مدت مداخله بلدییه است که بعد از وضع مأخوذی اداره بلدییه مبلغ هفتصد و هشتاد تومان و پنج هزار و یک صد دینار کسر عمل نموده و این کسر عمل به واسطه این است که بدون ماخذ علمی در عملی تقریباً جمعی بسته‌اند و در تخاقوی ئیل هم دویست و پنجاه تومان باز علاوه جمع شده مالیات هم غیر مستقیم و از سیچی ئیل ۱۳۲۶ جزو... شده است در آن سال بیشتر از این مبلغ کسر عمل نموده و از این کسر عمل تقریباً چهارصد و بیست و نه تومان آن راجع بمداخله شاهزاده مؤیدالدوله و چهار ماده اول سال تخاقوی ئیل مبلغی هم راجع بزمان مداخله بلدییه و یک صد و کسری هم راجع به مدت مداخله اداره خزانه مستدعی است حکمی برای سند خرج مبلغ مزبور به اداره خزانه مرحمت شود و دیوان محاسبات برای گذرانیدن حساب خزانه ایرادی ننماید.

از طرف رئیس خزانه

امضاء: ناخوانا

حاشیه راست:

دفتر محاسبات کل مطابق شرحی که نوشته ششصد و هشتاد و شش تومان که عملی داند نه هفتصد و هشتاد تومان. به هر حال وزارت در این مورد نباید خرج بدهد. به جهت اینکه کسر جمع سند خرج ندارد اگر وصول وجوهات بر ترتیب منظمی بشود ممکن بود تصدیق نمایند. ولی چون ترتیب منظمی ندارد و نمی‌توان تفتیش جمع کرد. دیوان محاسبات باید کسر جمع را محسوب دارد. فقط شرحی بدیوان محاسبات بنویسد و اظهارات اداره خزانه را نیز ضمیمه نماید و بنویسند به واسطه بی‌ترتیبی اینکه جمع حاصل شده است باید محسوب داشته شود.

امضاء: ناخوانا

۵ - ۲۴۰۰۰۸۴۶۱

سند شماره ۴

دیوان محاسبات

اداره خزانه از بابت حق الورد نفت شرحی به وزارت مالیه نوشته است که سواد آن را لفا ملاحظه می‌نمایید کسر عمل عایدی از قرار ریزی که خود آن اداره قلمداد می‌کند بایستی ششصد و هشتاد و شش تومان و پنج هزار تشخیص بشود و نه هفتصد و هشت تومان و پنج هزار یقیناً در این حساب سهو کرده‌اند. به هر حال نظر به ملاحظاتی که اداره خزانه بیان می‌نماید و به مناسبت فقدان قاعده و ترتیب صحیحی در وضع این مالیات و نیز به واسطه تعسر تفتیش در اصول جمع‌آوری این عایدی که به چند سبک مختلف در سنه ماضیه دریافت شده، وزارت مالیه تصویب می‌نماید که دیوان محاسبات ششصد و هشتاد و شش تومان و پنج هزار کسر عمل را به جمع اداره خزانه محسوب نداشته.

امضاء: ناخوانا

۶ - ۲۴۰۰۸۴۶۱

سند شماره ۵

وزارت معارف و فواید عامه

در جواب مراسله محترمه نمره ۱۰۳۰ اشعار می‌دارد که وزارت مالیه عمل مطالبات دولت را از کمپانی نفت تا اول اکتبر ۱۹۱۰ در دو هزار لیبره انگلیس ختم و مبلغ مزبور را به انضمام دو هزار تومان از بابت مالیات نفت از اول اکتبر ۱۹۱۰ لغایت اول اکتبر ۱۹۱۱ دریافت نموده و جناب حاجی وکیل الرعایا قطعاً برای اراده شخصی خود کار نکرده و بلکه فقط واسطه مذاکرات و مکاتبات فیما بین وزارت مالیه و کمپانی نفت بوده است.

امضاء: ناخوانا

۸ - ۲۴۰۰۸۴۶۱

سند شماره ۶

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فواید عامه اداره معادن

نمره ۱۰۳۰

مورخه ۱۲ شهر محرم ۱۳۲۹

وزارت جلیله مالیه

از قراری که مذکور شد، در خصوص سالی دو هزار تومان بدهی کمپانی معادن نفت جنوب راجع به سنوات گذشته آقای وکیل الرعایا به شخصه از طرف آن وزارتخانه محترمه مذاکراتی نموده‌اند؛ البته قطع این گفتگو که مدتی به طول انجامیده خیلی لازم است. چنانچه در این باب وزارت فواید عامه بقدر مقدور سعی و کوشش دارد. ولی از آنجاییکه این مسئله از وظایف مختصه وزارت فواید عامه است اطلاعا عرض می‌شود که این کار باید با اطلاع این وزارتخانه ختم بشود. اقدامات آقای وکیل الرعایا که بدون اطلاع این وزارتخانه بود. وزارت فواید عامه تا اطلاع از کم و کیف آن نداشته باشد تصویب نخواهد نمود

امضاء: ناخوانا

مهر: وزیر معارف و اوقاف و فواید عامه

حاشیه راست سند: حسب الامر اداره محاسبات کل بر طبق رقعه که به جناب حاج وکیل الرعایا صادر نموده‌اند جواب بنویسند که این عمل چنانچه گذشته است به صلاح و صواب دید وزارت مالیه نبوده است.

۹ - ۲۴۰۰۸۴۶۱

سند شماره ۷

نشان تاج و شیر و خورشید

تاریخ ۳ دلو ۱۳۲۹

نمره خصوصی ۶۷۳۳

کارتون ۳۹

دوسیه ۸

نوع مسوده: مکتوب

وزارت معارف و فوآند عامه

در جواب مراسم محترمه نمره ۱۰۳۰ اشعار می‌دارد که وزارت مالیه عمده مطالبات دولتی را از کمپانی نفت تا اول اکتبر ۱۹۱۰ در دو هزار لیبره ختم و مبلغ مزبور را به انضمام دو هزار تومان از بابت مالیات نفت از اول اکتبر ۱۹۱۰ لغایت اول اکتبر ۱۹۱۱ دریافت نموده و جناب حاجی وکیل الرعایا قطعا برای اراده شخصی خود کار نکرده بلکه فقط واسطه مذاکرات و مکاتبات فیما بین وزارت مالیه و کمپانی نفت بوده است.

امضاء: ناخوانا

۱۰ - ۲۴۰۰۰۸۴۶۱

سند شماره ۸

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت امور خارجه

اداره محاسبات

مورخه ۱۱ صفر ۱۳۳۳

نمره ۳۰۲۸

وزارت جلیله جلیله مالیه

در ضمن ارسال سواد تلگراف رمز لندن راجع به وجهی که کمپانی نفت باید در هذه السنه به دولت ایران بدهد لازم می‌داند مختصری نیز در عزت بی‌اندازه که مأمورین ایران در خارجه با انقلابات حالیه اروپا دارند معروض داشته توجه وزارت جلیله مالیه را نسبت به مساعدت با آنها جلب نماید.

خاطر محترم مستحضر است که سفراء و مأمورین خارجه علاوه بر آنکه هر یک مبلغی از سال‌های گذشته طلب دارند، در هذه السنه بارس ئیل ۴۲ نیازی از بابت حقوق آن‌ها داده نشده و هر کدام با پریشانی و استیصال فوق‌العاده در خارجه سرگردان نه از طرف دولت به حال آن‌ها توجهی شده نه اوضاع اروپا طوری است که مثل سنوات سابقه بتوانند به وسیله قرض گذران نمایند، بلکه در هر نقطه که هستند به بدترین روزگاری گرفتارند و چون دولت ناچار است که سریع‌تر وسیله موجبات آسایش آن‌ها را فراهم نموده از بابت مطالبات گذشته و حقوق هذه السنه وجهی پرداخته بوضع فضیحت آینده آن‌ها خاتمه بدهند. لهذا وزارت

امور خارجه اجل آنکه از طرفی آسایش مأمورین را فراهم آورده و از طرف دیگر از ضروری که به واسطه صرف بقا از لندن به طهران متوجه دولت می‌شود، جلوگیری نموده باشد به این قسم مقتضی می‌داند که مقرر فرمایند وجهی را که کمپانی نفت باید به دولت ایران بدهد به سفارت لندن پرداخته و سفارت مشارالیه نیز بر طبق تعلیمات و دستور العمل‌های وزارت خارجه این مبلغ را فعلاً به سفرا بپردازد که فی‌الحقیقه آسایشی حاصل نماید یقین است وزارت جلیله مالیه این پیشنهاد وزارت خارجه را محل توجه عاجل خود قرارداد زودتر از قبول این ترتیب و اقداماتی که در این باب خواهند فرمود، وزارت خارجه را مستحضر می‌دارند.

امضاء: ناخوانا

مهر: وزارت جلیله

مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۸ جدی ۱۳۳۳، نمره ۹۲۱۱

مهر: دفتر وزارت مالیه، نمره ۴

حاشیه پایین سند: به عرض حضور مبارک برسد ۸ جدی

جواب نوشته شد مخارج این وجه در حضور حضرت اشرف آقای وزیر امور خارجه ضرورت داده شد. دیگر تن خواهی از این بابت موجود نیست.

۱۲ - ۲۴۰۰۰۷۴۹۵

سند شماره ۹

نمره ۱۲۵۲

هفتم سپتامبر ۱۹۰۹

به مستر قرین وی

آقا کاغذ تاریخ ششم این ماه شامل اصل تا در خصوص دو هزار تومان سالیانه که حق دولت من است و عقب افتاده زحمت افزا می‌شوم که تمام این مسایل را با مستر والس مذاکره کرده‌ام. فقط چیزی که باقی بود، قصد و نیت مجلس رؤسای کومیانی بود. که آیا راضی می‌شود تمام مبلغ را بدهند یا راجع به حکمیت می‌کنند. من نمی‌خواهم که این مسئله طولانی مذاکره شده را از سر شروع کنم خیلی ممنون می‌شوم اینکه شما یا رجوع کنید به نوشته‌جات و تاریخ آنکه میانه من و مستر والس گذشته یا به من بگویید که مشارالیه یقیناً بر می‌گردد.

صدیق السلطنه

۲۰ - ۲۴۰۰۲۵۱۶۸

سند شماره ۱۰

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فواید عامه

اداره کابینه

نمره ۱۱۲۳

مورخه ۲۹ شهر ذی الحجه ۱۳۲۶ برج عقرب ۱۳۳۲

ضمیمه ندارد

خزانه‌داری کل

مطابق قراردادی که راجع به امتیاز معادن نفت جنوب مبادله شده است صاحب امتیاز باید سالی دو هزار تومان بابت مالیات نفت قصر شیرین و شوشتر و دالکی به دولت علیه منظماً تأدیه نماید قدغن نماید معین نمایند که اولاً این وجه را از کمپانی نفت جنوب مطالبه و دریافت نموده‌اند و مرتباً به خزانه دولت رسیده است یا خیر جواب مراسله را عابداً انتظار دارم.

امضاء: ناخوانا

مهر: وزارت فواید عامه

۳۲ - ۲۴۰۰۱۵۴۳۵

سند شماره ۱۱

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فواید عامه

راپورت

در اوقاتی که آقای صدیق السلطنه در سنه ماضیه تهران آمده بودند. اما میرزا غفارخان که یکی از اعضای سفارت ایران در لندن است بسمت نمایندگی کمیسر معدن نفت اشتغال داشت در همان تاریخ یکی دو فقره راپورت مفصل و مشروح از ترتیب و کمپانی چند فقره کنفرانسی که در خصوص معدن مزبوره در آن بودند به وزارت فواید عامه ارسال داشت. در یکی از راپورت‌ها مخصوصاً معترض است که عایدات دولت علیه از بابت صدی ۱۶ در سال ۱۹۱۳ به میزان ۲۸ هزار لیبره انگلیسی بالغ بشود. نظر به همین راپورت بود که در موقع ترتیب بودجه وزارت فواید عامه در جزو عایدات یک فقره مبلغ یکصد و هفتاد هزار تومان از بابت عایدات معدن نفت جنوب به قلم آورد ولیکن پس از مراجعت آقای صدیق السلطنه به لندن این مسئله عایدات را تعقیب کردیم. بعد از مدتی راپورتی به تازگی از کمیسری معزی الیه رسیده که از جلسه لندن به کمپانی نتیجه مذاکرات اینطور به دست آمده بود که از بابت هذه السنه چون کمپانی نتوانسته کاملاً به ترتیب تصفیه نفتی موفق شود. علی‌هذا در هذه السنه آن نتیجه مطلوبه به دست نیامده و آن فوایدی را که مترصد بودیم، حاضر نشده.

۲۲۶ - ۲۴۰۰۰۵۷۳۸

سند شماره ۱۲

۲۱ ماه مه ۱۹۱۳

ST JAMES CLUB

PICCADILLY. W

چنانچه در راپرت خود به تاریخ هیجده ماه آوریل عرض کرده‌ام، صورت و حساب تجارتی کمپانی در هر سال آخر ماه مارس مشخص می‌شود به این معنی که از سه معدن و نقاط دیگر صورت و حساب مقدار نفتی که خارج و فروخته شد برای کمپانی باید تا آخر ماه مارس فرستاده شود که در اینجا به کلیه حساب رسیدگی شده بعد آن را اعلان نمایند. برای سال گذشته که کمپانی چند ماهی مشغول تجارت نفت بوده که از ماه ذی قعدة باین طرف باشد چون اول شروع به کار بوده چندان کاری پیشرفت نکرده و به غیر از راپورت‌های خود کمپانی، بنده هم راپورت تازه از محرمه داشتم که موافق اظهارات و راپورت‌های کمپانی شرح داده شده (ریفانری) کمپانی در عبادان قرعه تسویه کردن مقدار شش میلیون قطن نفت را در هر ماه دارد چون تازه این کار افتاده، این مقدار نفت را در ابتدا نمی‌تواند تسویه کند، ولی ماه به ماه زیادتر می‌شود مثلاً برای ماه مارس به کمسیون... ده هزار قطن و برای ماه گذشته که آوریل باشد کمسیون ششصد و بیست شد و بر این ماه امید دارند که تا سه میلیون برسد و همین طور به مرور تا به ماهی شش میلیون برسد و علاوه بر این ماهی سه میلیون نفت تسویه شده حمل و بفروش خواهند رساند. هر چند در راپرت سابق خود شرح داده‌ام، باز هم توضیحاً عرض می‌کنم که لوله نفتی قوه این را دارد که ماهی سه میلیون نفت به عبادان برساند. شش میلیون از آن را (ریفانری) تسویه می‌تواند بکند با قیر ماهی سه میلیون تسویه نشده می‌فروشند. شاید لازم باشد که بدانند جنس نفت از چه قرار است این است عرض می‌کنم وقتی که تسویه می‌شود در سیزده Bengine و بیست و سه... و سی و یک ... کلیه نفتی که تا آخر ماه مارس گذشته فروخته‌اند از این قرار است. نفت تسویه شده حمل کرده‌اند به خارج سه میلیون قطن، نفت برای سوزاندن در... پانصد و بیست قطن بن زین یک صد و هفت قطن در خود ایران به فروش رسانده‌اند. از این قرار نفت برای... یک میلیون و ششصد هزار قطن جنس دیگر قریب به دوازده هزار قطن روی هم رفته برای سال گذشته که اول شروع به کار بود مقدار پانزده میلیون و چیزی نفت فروخته‌اند و تا ریفانری درست به کار نیفتاده که ماهی شش میلیون قطن نفت تسویه کند کمپانی قادر نخواهد بود که منفعت خوبی برده و به دولت علیه و صاحبان سهام حق بدهد مقدار نفتی که در مسجد سلیمان بیرون می‌آید خیلی زیاد بر آن است که کمپانی لازم دارد و می‌تواند به مصرف برساند و به واسطه درست حاضر نبودن (ریفانری) مقدار زیادی نفت در مسجد سلیمان و میدان نطفان که در انبارهای نفت بود به هوا پریده و مقدار زیادی آتش گرفته؛ البته واضح است این قبیل اتفاقات در معادن نفت اغلب می‌شود مقدار نفتی که در مسجد سلیمان بیرون آمد تا ماه مارس گذشته بیست و یک میلیون و یکصد و نود و شش هزار قطن بوده و این کلیه یازده میلیون به مصرف رسیده صورت و حساب جمع و خرج قدری طول دارد تا اعلان بشود این شرح و عرض شده راجع به صورت و حساب نیست این‌ها اطلاعاتی است که همیشه تحصیل می‌کند؛ اگر زیاد در این باب

عرض نمی‌کند، برای این است همو تصور می‌کند که این قبیل اطلاعات را برای وزارت فوائد عامه اهمیت ندارد و عایدی، والا ممکن است از این قبیل مطالب شرحی مفصل عرض بکنم بنده تصور می‌کند که عمده صورت و حساب کمپانی و عایدی دولت است که برای وزارت فوائد عامه اهمیت دارد و باید درست معلوم شود و باقی حق این بنده است که به جزئیات کار مسبوق و ناظر باشد.

سواد راپرتی که از محمره تازه برای بنده رسیده این سند را تقدیم می‌کنم، در صورتی که می‌دانم چیزی در آن نیست که اهمیت داشته باشد، ولی عین این راپرت را کارگذار عربستان به وزارت خارجه می‌دهد و در آن وزارتخانه اهمیتی به آن راپرت داده نمی‌شود و می‌گویند چرا کمپانی نطف را گران فروخته یا چراغ الکتریک دایر کرده چرا تلفون کشیده و اتوبوس آورده آن وقت این‌ها را عنوان کرده و بنده را مثل می‌گویند و می‌گویند چون مأمور محمره نیست این است نطف را گران فروخته‌اند مثل اینکه همین طور به سفارت لندن نوشته شده در جواب جنرال قونسول هندوستان و جواب آن در سفارت داده شده کسی به امتیازنامه رجوع نمی‌کند بدانند که کمیسر کارش چیست در کجای امتیاز به او حق داده شده که به کمپانی بگوید نطف را گران بفروشد و چرا باید کمیسر در محمره باشد و کارش در آنجا چیست و از روی چه مأخذ این گفته می‌شود. هیچ معلوم نیست اگر مأمور دارای این حق باشد که بتواند به کمپانی بگوید که نطف را گران نفروش باید در اینجا به مرکز بگوید و کلای کمپانی در محل صاحب رأی نیستند هر امری از اینجا صادر شود به آن محل می‌رساند فقط چیزی که پرسیده معلوم است و سال‌ها به واسطه بودن در وزارت خارجه تجربه حاصل کرده‌ام، این است چون جنرال قونسول هندوستان به شرحی راپرت داده و تفاوت نمی‌کند بی‌مأخذ یا با مأخذ از اداره انگلیس باید جوابی به ایشان داده شود، لہذا هرچه به خیال رئیس اداره آمده جواب نوشته، خود آقای مفتاح السلطنه و نوشته‌جات خود به این بنده این جواب را که از وزارت خارجه ایشان داده شده... کرده و پیش‌بینی کرده بود. امیدوارم که در وزارت مربوطه به خوبی معلوم شده اینکه اغماض کرده بودند کمپانی نطف را از دیگران گران‌تر می‌فروشد... شده بود. و مخصوصاً از دیگران ارزان‌تر می‌فروشد زیاده جسارت نمی‌کند.

عبدالعلی

۲۴۰۰۰۵۷۳۸ - ۳۸۷

۲۴۰۰۰۵۷۳۸ - ۳۸۸

سند شماره ۱۳

نشان تاج شیر و خورشید

فوائد عامه

نمره کتاب ثبت ۱۰۴۵

تاریخ خروج ۲۶ شهر ربیع الاول ۱۳۳۲

آقای صدیق السلطنه

مطابق راپورت‌های واصله چنانچه خود جناب‌عالی هم در یکی از راپورت‌های خودتان اشاره کرده‌اید، از چندی قبل کمپانی شروع به حمل نفت تصفیه شده نموده است؛ در اینصورت خیلی لازم است که هر ماهه راپورت عملیات کمپانی و میزان نفت مستخرجه و تصفیه شده و مقدار نفتی که از جزیره عبادان برای فروش در بازار خارجه به خارج می‌شود، به وزارت فواید عامه ارسال دارید و همین طور هم خیلی اهمیت دارد که تحقیق شود آیا نفت تصفیه شده نیز به حال قیر و موم خارج می‌کند یا خیر. به علاوه لازم است وزارت فواید عامه بداند که کمپانی از بابت عایدات صدی ۱۶ حقوق به چه قسم می‌خواهد رفتار نماید. محاسبات و تأدیه حقوق دولت در امسال، سه ماه به سه ماه یا شش ماه به شش ماه یا سالانه خواهد بود. در هرحال راپورت مفصل جامعی که شامل تمام مکاتبات سه ماهه مرقوم و ضمناً مسبوق می‌باشد، تأدیه حقوق دولت باید به وسیله این وزارت‌خانه بشود و از مجرای این وزارت‌خانه باید به خزانه دولت عایدات برسد نه غیر.

امضاء: ناخوانا

۴۱۰ - ۲۴۰۰۰۵۷۳۸

سند شماره ۱۴

چنانچه حضوراً وزیر امر فرمودند رقعہ به آقای صدیق السلطنه نوشته تحقیقات لازمه را در خصوص نفت بفرمایید و مرقوم دارید که بر حسب راپرت واصله امسال باید از فروش نطف فلان مبلغ عاید دولت گردد؛ البته در وصول و ایصال وجه اقدامات لازم نموده که عایدات مسلماً به وزارت فواید رسیده، از مجرای این وزارت‌خانه به خزانه دولت تحویل می‌شود.

۴۱۱ - ۲۴۰۰۰۵۷۳۸

سند شماره ۱۵

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فواید عامه

مورخه ۲۳ شهر ربیع‌الاول دلو اودئیل ۱۳۳۲

راپورت

در اوقاتی که آقای صدیق السلطنه در سنه ماضیه طهران آمده بودند، آقا میرزا غفارخان - یکی از اعضای سفارت ایران در لندن است - به سمت نمایندگان کمیسر معدن نطف اشتغال داشت. در همان تاریخ، یکی دو فقره راپورت مفصل و مشروح از ترتیب این کمپانی و چند فقره کنفرانس که در خصوص معدن مزبوره داده بودند، به وزارت فواید عامه ارسال داشت. در یکی از راپورت‌ها مخصوصاً معترض است که عایدات دولت علیّه از بابت صدی شانزده در سال ۱۹۱۳ به میزان ۲۸ هزار لیره انگلیسی بالغ می‌شود. نظر به همین راپورت بود که در موقع ترتیب بودجه وزارت فواید عامه در جزو عایدات یک فقره مبلغ یک صد و هفتاد هزار تومان از بابت عایدات معدن نطف جنوب به قلم آورد؛ ولیکن پس از مراجعت آقای صدیق السلطنه به

لندن این مسئله عایدات را تعقیب کردیم، بعد از مدتی راپورتی به تازه‌گی از کمیسری معزی الیه رسیده که در جلسه فلان کمپانی نتیجه مذاکرات این طور به دست آمده که از بابت هذه السنه چون کمپانی نتوانسته است کاملاً به ترتیب تصفیه نفت موفق شود، علی‌هذا در هذه السنه آن نتیجه مطلوبه به دست نیامده و آن فوایدی که مترصد امن بودیم حاصل نشده است. یکی به ملاحظه این راپورت یکی به ملاحظه راپورت‌های متوالی کارگزاری عربستان به وزارت امور خارجه و تعقیب وزارت معزی الیهها به وزارت فواید عامه که باید کمیسر کمپانی معدن نفت در سر کار و محل عملیات باشد و همین طور به ملاحظه تحقیق کمیسیون بودجه در خصوص عایدات و حقوق دولت از بابت معدن نفت لازم دانست که خاتمه به این کار داده شود؛ به عبارته اخری یعنی وظایف و تکالیفی برای کمیسر نوشته، به او فرستاده شود که بر طبق آن عملیات نماید. در این بین‌ها از طرف خود کمیسر مختصر لایحه که سواد آن را لفاً از حضور مبارک می‌گذرد، به مرکز فواید عامه رسید که او کای او با او کای کمپانی توأمأً قراری در موضوع وظایف کمیسر نوشته‌اند. نظر به موافقت فوق‌الذکر، کتباً آقای معاضدالسلطان مدیر تحریرات انگلیس را که در وزارت امور خارجه است، خواسته تبادل افکار نموده، مقرر شد قبلاً استمزاجی از جناب وزیر مختار ایران در لندن به عمل آمده، بعد داخل در ترتیب نوشتن وظایف کمیسر بشویم؛ همین طور هم کردیم. جناب معظم له نیز رأی مستقیم دادند که بالفرض کمپانی حدودی بین خود و کمیسر دولت علیه معین نماید هیچ مربوط به این نخواهد بود که دولت علیه بخواهد برای کمیسر خود، وظایف و تکالیفش مشخص و معلوم دارد، پس از وصول سواد مراسله وزیر مختار به وزارت فواید عامه با ملاحظات اطراف لایحه مرسوله خود کمیسر مواد و شرایطی مبنی بر وظایف و تکالیف کمیسر نوشته، با حضور آقای معاضدالسلطان، جرح و تعدیل شد. عین آن را یک نسخه برای کمیسر از طرف این وزارت‌خانه ارسال داشت، یک نسخه هم به وزارت امور خارجه فرستاد که سواد آن را برای جناب وزیر مختار بفرستد. چنانچه باز هم جرح و تعدیل لازم دارد، تغییر داده شود، والا اگر قابل‌الاجری می‌دانید، عین آن را قبول نماید. در موقع ارسال نسخه وظایف کمیسر مطابق یک ماهه مرخصی او را هم یک ماهه به ایران داده شد که اطاعت او امر مطاعه حضرات اشرف ریاست وزراء هم به عمل آمده باشد. سواد معین و از وظایف و تکالیف کمیسری هم که لفاً تقدیم حضور مبارک می‌شود، شد. تاکنون که تقریباً دو ماه است، جوابی از آقای صدیق‌السلطنه نرسیده و برای نوشتن بودجه هذه السنه این محل معلوم نیست به چه مبلغ باید پیش‌بینی کرد. در این سنوات عدیده به هیچ وجه در اساس این کار اولیای امور وقتی نکرده‌اند. همیشه آقای صدیق‌السلطنه در مرکز لندن تشریف دارند و گاهی یک راپورتی که از کمپانی اعلان می‌شود صورت آن راپورت را به طهران فرستاده‌اند. حال به هر قسم امر فرمایند اطاعت خواهد شد.

امضاء: ناخوانا

حاشیه پایین سند: عجلتاً از سواد وظایف و تکالیف کمیسر دولت که فرموده‌اید، فایده‌ای در باب عایدات دولت حاصل نخواهد شد، زیرا نمی‌توان گفت که کمپانی نفت عایداتی دارد و نمی‌دهد. مقصود این است که برای کمیسیون بودجه و عایدات نفت مفید نخواهد شد. اقامت کمیسر در لندن برای این مقصود مفیدتر

از رفتن اوست به عبادان، زیرا در محل نمی‌تواند تحقیقاتی را که در لندن می‌کند، بکند.

۲۴۰۰۵۷۳۸ - ۴۱۶

سند شماره ۱۶

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فوائد عامه

یک مسئله دیگر بیست هزار سهام شرکت اولیه است که در بدو تشکیل به دولت علیه تقدیم شده، معلوم نیست در کجاست. وزارت فوائد عامه به کلی از این امر بی‌اطلاع است. مطابق تحقیقات خارجی که اداره معادن به عمل آورده است، به خزانه دولت تحویل شده که در آنجا ضبط باشد. تحقق این مسئله معلوم نیست. در این دو مسئله هر طوری که امر مقرر می‌شود، اطاعت گردد.

امضاء: ناخوانا

۲۴۰۰۵۷۳۸ - ۴۱۷

سند شماره ۱۷

ST JAMES CLUB
PICCADILLY. W

مقام منیع وزارت فوائد عامه

صورت نطف تسویه شد. موافق راپورت آخری که رسیده، از این قرار است در ماه نوامبر سه میلیون و دو هزار قطن بوده و در ماه دسامبر سه میلیون و نهصد و بیست هزار و برای ماه گذشته که ماه یونیه باشد (به موجب خبر تلگرافی که این چند روز رسیده) سه میلیون و نهصد و سی و یک هزار بوده. فروش برای ماه دسامبر و اکتبر قریب شش میلیون قطن بوده که سه میلیون و هشتصد از آن نطف تسویه نشده و باقی تسویه شده بود و برای ماه نوامبر نزدیک به دومیلیون و برای ماه دسامبر هم تقریباً مثل ماه نوامبر بود.

(اکس پلوتاسیون کمپانی)

این همان کمپانی است که دولت علیه بیست هزار اسهام در آن دارد و گفته می‌شد که وجود خارجی ندارد. این کمپانی در ماه نوامبر دو میلیون و دویست پنجاه هزار قطن از چاه‌های آن کمپانی خارج شده و در ماه دسامبر دو میلیون و هفتصد و شصت و پنج هزار قطن.

(بختیاری اوئیل کمپانی)

این آن کمپانی است که آقایان بختیاری موافق قراردادی که با کمپانی دارند، درصدی سه از سرمایه آن کمپانی حق می‌زند. آقایانی که داوطلب این ترتیب بودند، به جناب مستطاب اجل اکرم آقای سردار اسعد - دام اقباله - گفته بودند که این کمپانی هم مثل کمپانی اول از بی‌مواظبتی بنا نموده هوا شده، ولی معظم الیه مثل سایر آقایان فوراً قبول و تصدیق نفرموده بودند. در ماه نوامبر نطفی که از این کمپانی بیرون آمده،

دو میلیون و دویست و نود و شش هزار قطن بوده و برای ماه دسامبر دو میلیون و پانصد و شصت هزار قطن بود. نفتی که ممکن است از چاه‌های این دو کانی بیرون بیاید، چندین مقابل این مقداری است که ذکر شد چون (ریفانری) حالا نمی‌تواند زیاد تسویه کند، لهذا سر چاه‌ها را مسدود کرده‌اند که نطف به هدر نرود ریفانری تا شش میلیون قطن نطف در ماه می‌تواند تسویه کند و حالا به چهار رسیده، رفته رفته به میزان شش میلیون می‌رسد، ولی نطف خیلی بیش از این است که ریفانری بتواند تسویه کند، لهذا درصدد این هستند که ریفانری را بزرگ‌تر نمایند. امیدوار است که خیلی زودتر از این شهر عایدی کلی برای دولت علیه حاصل شود. تعداد عملجات که در سه کمپانی هستند، از این قرار است:

فرنگی	ایرانی	هندی
۳۴	۹۵۶	۴۷

عملجات هندی کمپانی اشخاصی هستند که در معادن نطف بورما کار کرده‌اند و مهارت تام و تمام در سوراخ کردن زمین دارند و چند نفر از آن هم آشپز هستند. منظور این است که این ۴۷ نفر ربطی عمله دولت علیه ندارد که باید رعیت آن حضرت پادشاه ایران باشد. زیاد عرض ندارد.

عبدالعلی

۲۴۰۰۰۵۷۳۸ - ۴۲۳

سند شماره ۱۸

ST JAMES CLUB
PICCADILLY. W

به مقام منبع وزارت فواید عامه

نمره ۴

شرحی رسماً به کمپانی نوشته و اظهار کرده بودم خوب ست قراری بدهد که در موقعی که خطر جانی به عملجات ایرانی که در معدن نطف کار می‌کند وارد بیاید یک مبلغی به خود آن‌ها و اگر تلف شدند، به فامیل آن‌ها داده شود. چنانچه در انگلستان معمول است. کمپانی جواب داده اگر این مسئله در انگلستان معمول است، به واسطه قانون است که از پارلمان انگلستان گذشته و در مملکت شما همچون قانونی نیست و همچنین می‌گوید حتی عملجات اروپایی که کمپانی اجیر کرده به ایران می‌فرستد اگر خطر جانی به آن‌ها وارد بیاید، فامیل آن‌ها حق مطالبه هیچ نوع خسارت جانی را ندارند، زیرا که خارج از مملکت انگلیس آن خطر به آنها وارد شد و قانون انگلیس درباره آنها جاری نمی‌شود. بعد از دادن این جواب‌ها می‌گوید که کمپانی این مسئله را همیشه تحت نظر خواهند داشت و اگر خطر جانی به عملجات وارد بیاید، یک نوع... آن‌ها خواهد کرد. مثل اینکه تا به حال در چند موقع کرده. زیاد عرض ندارد.

عبدالعلی

۲۴۰۰۰۵۷۳۸ - ۳۹۹

سند شماره ۱۹

نمره ۶۶

سواد کاغذ وزارت خارجه شیخ الملک قصر شیرین ۲۷ شهر محرم ۱۳۲۲ دو فقره راپرت شما مورخه شهر ذی حجه ۱۳۲۱ واصل شد و از اینکه به ظهور نفت در چاه نمره ۱ و نمره ۲ و اشتغال به حفر آنها راپرت داده و اظهار امید نموده بودید، مستحضر گردید. در باب زمین که برای بنای عمارت و منزل خودتان خواسته بودید، پس از تحصیل اجازه فرمان مبارک، شرف صدور یافت، ولی چون بر حسب دستخط آفتاب نقط مبارک امر و مقرر شده است که باید قیمة آن تقدیم شود، به صحنه مبارکه موشح نشده است؛ لهذا برای اطلاع شما می نویسد که قیمة آن را بفرستید که تقدیم شده فرمان از صحنه مبارک بگذرد.

نصرالله مشیرالدوله

۲ - ۲۴۰۰۲۶۷۵۱

سند شماره ۲۰

سواد کاغذ وزارت خارجه به شیخ الملک در قصر شیرین ۴ شهر رجب ۱۳۳۲ دوسیه مورخه ۷ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۲ تأدیه و از سلامتی احوالات شما خوش وقت شدم. براتی را هم که از بابت وجه تقدیمی زمین ارسال داشته بوده، با پست قبل واصل شد و با فرمان مبارک به خاک پای مهر اعتلای اقدس همایونی - ارواحنا فداه - تقدیم گردید. دستخط مبارک این طور شرف صدور یافته است که عیناً درج می شود (برات یکصد و ده تومان را قبول می کنند. باید هم قدر زمین مرحمت شده، ذری از قرار ۵ ریال یعنی دو هزار و پانصد دینار تقدیم نماید) لهذا بر حسب این امر مطاع مبارک برات مزبوره لفاً اعاده می شود تا به طوری که مقرر شده است، قیمت زمین را بفرستید که تقدیم شود.

نصر الله مشیرالدوله

۶ - ۲۴۰۰۲۶۷۵۱

سند شماره ۲۱

قربان حضور مبارکت شوم، دستخط مبارک که به افتخار فدوی صادر شده بود در کرمانشاهان به زیارتش نائل گردید تشکر و افتخار کرد. در باب چاه معدن دستخط فرموده بودید، چاه نمره دو متدرجاً به هزار و سیصد پا رسیده. اگر چنانچه آن طور که خاطر مبارک مسبوق ست درست به عجله کار نشده، چون رئیس به فرنگستان رفته است که ماشین و اسباب تهیه کند، به تدریج کار می شود که تا معزی الیه معاودت نماید در باب آب اطراف چاه رودخانهها آب ندارد، لذا قرار براین شد تا سه فرسخی که رودخانه ارونه است، تنپوشه بکشد که به سهولت آب برسد. در باب جناب رئیس استدعایی در فقره معهود از آستان مبارک کرده بود، پیوسته اوقات منتظر جواب آن استدعا می باشد. زیاده در پیشگاه حضور مبارک جسارت است.

۱۰ - ۲۴۰۰۲۶۷۵۱

سند شماره ۲۲

۱۷ ربیع الثانیه

قربان حضور مبارکت شوم، اینکه کمتر اسباب تصدیع خاطر مبارک می‌شود، نه به واسطه غفلت و تسامح است، بلکه وقایع و اخبار تازه که قابل تصدیع خاطر مبارک باشد، وقوع نیافته و الا چاکر آئی از وظیفه فدویت غافل نبوده و نیست.

هرگاه از وضع حالیه استفسار فرمایند، بحمدالله نقصی در امورات اداره نیست از هر بابت منظم است مستر (بلند) که بنا بود در غیاب رئیس و کالت به معدن بیاید، چند روز است وارد شده و مشغول به انجام امورات راجعه به خود می‌باشد.

چاه نمره اول همه وقت نفت از او جاری است، ولی چاه نمره دویم به واسطه نداشتن لوله تعطیل شده، منتظرند که لوله برسد و مشغول کار شوند.

ناخوشی و با چند روز قبل در قصر و این صفحات نیز بروز کرد و زیاد از حد اسباب وحشت و پریشانی خاطرها شده، ولی دکتر معدن در حفظ صحت اهالی معدن و بعضی جاهها که دسترسی داشت اقدامات لازمه به عمل آورد. بحمدالله از اهالی معدن احدی مبتلا نشد و از این صفحات نیز به زودی مرتفع شده، طول اقامت پیدا نکرد.

در باب وجه تقدیمی چون امثال امر قدر قدر را بر خود چون فریضه پنجگانه واجب می‌دانم، سعی می‌کنم که ان شاءالله تا هفته آتی وجه متصرفی فراهم کرده، ایفا دارم. زیاده بر این عرض جسارتی ندارد. دام جلاله عظمی مستدام

۱۹ - ۲۴۰۰۲۶۷۵۱

سند شماره ۲۳

قربان حضور مبارک شوم، بعد از تقدیم عرض چاکری و دعاهای عمر و دولت و مزید استقلال و قسمت آن ذات مکارم آیات مبارک لزوماً جسارت می‌نماید، به طوری که در موقع حرکت از قصر شیرین به عرض رسانیده، چندی ست وارد کرمانشاه شده و از میان توجهات و عنایات کریمانه سلامت و خوشم اخبار معدن، چنانچه سابقاً عرض شده، در چاه نمره (دو) کما فی السابق مشغول کار هستند و از قراری که می‌نویسند، به عمق یک هزار و سیصد و ده پا رسیده و باز کار خواهند کرد. دیگر خبر تازه که قابل عرض بوده باشد، نبود. استدعای چاکرانه از مراحم کریمانه آنکه چاکر را به صور جواب و ارسال دستخط مبارک قرین کمال شرف و مباحات فرمایند. زیاده جسارت است. الامر الاشراف مطاع

معروضه ۲۸ شهر ربیع الاول ۱۳۲۲

۲۴ - ۲۴۰۰۲۶۷۵۱

سند شماره ۲۴

۱۸ صفر ۱۳۲۲

قربان حضور مبارکت شوم، پس از تقدیم مراسم فدویت به زیارت رقوم مرقمیت است مباحث می‌نمایم و خاطر مرحمت مظاهر را به وقایع معدن مستحضر می‌دارم. شش ماه تمام عمل حفر چاه نمره ۱ تعطیل و در آن مسدود خواهد گشت و رئیس معدن با بعضی از استادان عودت به فرنگستان خواهند نمود. چند نفری هم در معدن می‌مانند و فدوی هم این شش ماه تابستان در کرمانشاهان توقف خواهم کرد و چنانچه ملتفت شده‌ام، مجدداً از لندن برای توسعه عمل حفر آلات و ماشین لازمه آن به ایران حمل خواهند کرد. البته به هرچه مطلع شوم خاطر مبارک را مستحضر خواهم داشت. چاه شماره ۱ چندی است که موجب امیدواری شده، گاز بسیار دارد و غالباً آب و نفت می‌پراکند و عمق حالیه آن دو هزار و سیصد پا است و حفر چاه نمره ۲ را همین طور ممتد داشته تا ان شاءالله به مقصود اصلی نائل آیند.

شرحی از بابت زمین مستدعی و ادا قیمت آن مرقوم فرموده بودند گویا به حضرت مستطاب - اجل روحنا فداه - مخفی نباشد که زمین‌های قصر شیرین قابل بعضی توجهات نیست و این استدعای فدوی رأی آن است که بتوانم به وسایل مختلفه در تحصیل آب از رودخانه باغچه غرس کرده گاهی اگر عمر کفاف دهد، در گرمای معدن به آنجا پناه برم و غالب اراضی قصر بلکه تمام آن لم یزرع و تل ماهور است و هر قدر تصور می‌کنم بیش از ذرعی یک شاهی قیمت و ارزش ندارد چون امر اقدس اعلی حضرت پادشاهی - ارواحنا فدا - در ادا قیمت صادر شده اطاعت می‌نماید. به هر کس و به هر صورت امر می‌فرمایند قیمت آن همان طور که عرض کردم، پرداخته خواهد شد. زیاده جسارت است.

۲۵ - ۲۴۰۰۲۶۷۵۱

سند شماره ۲۵

سواد کاغذ وزارت خارجه به شعاع السلطنه فارس

۲۸ شهر ربیع الاول ۱۳۲۲

نمره ۲۹۴

چندی قبل به وزارت خارجه اطلاع رسید که از طرف کمپانی نفت و موم طبیعی مأموری به برازجان برای معاینه معدن نفت و موم طبیعی آنجا آمده است و حسب الامر مطاع همایونی - روحنا فدا - مقرر خواهید فرمود که اولاً تحقیق کنند مأمور مزبور آمده و حالا در آنجا است یا رفته است. اگر در آنجا باشد، امر مقرر شود مأمور مطلع باهوش به برازجان اعزام کنند که مراقب حال او بوده، افعال او را ملاحظه کند و مطالب لازمه را راپرت بدهد.

امضاء: ناخوانا

۲۷ - ۲۴۰۰۲۶۷۵۱

سند شماره ۲۶

قربان حضور مرحمت ظهور مبارکت گردم، به زیارت رقم مبارک کسب افتخارات نموده، مزید اقبال و عظمت و اجلال بندگان حضرت مستطاب اجل عالی را از پروردگار عالم مسئلت داشت حصول اعطای قدری زمین موجب اعتبار و افتخار و سبب نهایت تشکر و امتنان گردیده، از عرض شکرگزاری مفارقت دارد.

چنان که هفته قبل به حضور مبارک رسانید، چاه نمره اول هم از یمن اقبال بندگان اعلی حضرت و قدرت اقدس شهریاری - ارواحنا فداه - مایه امیدواری گشت و همه روزه تاکنون نفت مخلوط به آب از آن خارج می شود و یوماً فیوماً در تزیاید است.

چاه نمره دوم دارای نفت فراوان است و با کمال امید و مسرت همه روزه مشغول به کارند. ایام اقبال و حشمت و عظمت مستدام باد.

فدوی محمد حسین سرخابی

۲۴۰۰۲۶۷۵۱ - ۳۱

سند شماره ۲۷

قربان حضور مبارکت گردم، به وصول رقم مبارک کسب افتخارات نموده، به عرض این مختصر راپورت خاطر مرحمت مظاهر را تصدیح می نمایم. از چاه نمره ۱ چند روز است قدری نفت خارج می شود و نقداً کارخانه آن را از نفت خودش آتیش می نماید و چاه نمره ۲ با اینکه عمله جات به حداقتی کامل فوران آن را سد کرده اند، گاهی فوران مختصری می نماید. دور هر دو مشغول کار و امتداد حفرند تا ان شاء الله به مقصود اصلی برسند. الحمد لله و المنه از خدمات مرحوم کتابچی خان امروز نظر توجه تمام دول اروپا به ایران و روزنامه نویسان روزنامه های خود را از اخبار جدید معادن نفت زینت می دهند. نظر به این خدمات و تبعیتی که پدر فدوی زادگان داریم، استدعا حضور مبارک دارد که اجازه مرحمت فرمایند یک قطعه زمین که معادل هشت هزار ذرع باشد از اراضی قصر که تاکنون هر کس بدون اجازه متصرف و مالک گشته است، متصرف و خانه برای شخص خود در آنجا بنا کرده و در سایه آن که در واقع ظل عواطف حضرت مستطاب اجل - روحی فدا - است، چهار صباحی از گرما پناه برده و به فراغت بال مشغول دعاگویی بقای دولت ابد آیت باشم. یقین دارم با بذل توجهات کامله... خواهد فرمود. زیاده جسارت است.

مهر: ناخوانا

۲۴۰۰۲۶۷۵۱ - ۳۵

سند شماره ۲۸

این اوقات که معدن نفت قصر شیرین استخراج گردیده رای جهان آرای شاهانه بر آن علاقه دارد که در آبادی آن نقطه هم شاهانه میزول فرماییم، لهذا موازی پنج هزار ذرع از زمین های واقعه در کنار رودخانه

الوند نزدیک قریه قصر شیرین که متعلق به دولت ابد آیت است، معتمدالسلطان شیخ محمد حسین سرخابی شیخ‌الملک مرحمت و واگذار فرمودیم که همه نوع تصرفات مالکانه غیر از فروش و انتقال به تبعه خارجه نموده و آبادی نمایند. فی شهر ذی‌القعدة ۱۳۲۱
۲۴۰۰۲۶۷۵۱ - ۴۱

سند شماره ۲۹

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت امور خارجه

اداره محاسبات

سواد مرقومه ریاست وزراء عظام

مورخه ۲۹ حمل ۱۳۳۴

نمره ۵۱۷

وزارت جلیله مالیه

در جلسه ۲۹ حمل ۱۳۳۴ هیئت وزراء عظام به موجب پیشنهاد وزارت جلیله امور خارجه تصویب فرمودند که در هذه السنه لویی‌ئیل مقرری سفارت دولت علیه در لندن از محل عایدات معادن نفض جنوب بعد از وضع مقرری سفارت لندن باقی بماند در عرض مطالبات و حقوق آقای صفاء‌الممالک وزیر مختار دولت علیه در وینه که خیلی در عسرت و استیصال است آن وزارت جلیله بپردازند. تصویب نامه در کابینه وزراء ضبط است. توضیح آنکه حقوق سفارت‌خانه‌های دولت علیه مطابق بودجه لویی‌ئیل است که در هیئت وزرای عظام در جزو بودجه کل وزارت امور خارجه تصویب گردیده. محمد ولی (ریاست وزراء)

امضاء: ناخوانا

سواد مطابق با اصل است

۸ - ۵ - ۲۵ - ۱۳۳۴ ق

سند شماره ۳۰

وزارت امور خارجه

اداره کابینه

به تاریخ ۲۷ شهر جمادی الثانیه ۱۳۳۴

کارتن ۲۵ دوسیه ۵

قبلاً در هیئت وزراء عظام برای تسهیل وصول عایدات دولتی و پرداخت حقوق به سفارت لندن تصویب شده بود که مقرری سنه ماضیه توشقان‌ئیل سفارت لندن از محل عایدات نفض پرداخته شود که سفارت در مضیقه نباشد و برای دولت هم صرفه منظور شده که تأخیری در وصول عایدات نشود که از آنجا به اینجا

برات بفرستند و بعد هم برای حقوق سفارت بعضی ضرورت‌ها داده شود و خوبی این فقره خیلی اسباب سهولت کار شد و مخصوصاً این عایدات محل حقوق سفارت باشد؛ البته سفارت هم در وصول آن رفع مشکلاتی که کمپانی نفت به عنوان خسارت و غیره می‌نماید، بهتر موفقیت پیدا می‌کند که حقوق دولت محفوظ و وصول شود. این است که وزارت خارجه پیشنهاد کرده، تصویب فرمایند عایدات نفت محل حقوق سفارت لندن بوده و بودجه هذه السنه این سفارت را از بابت تصفیه عایدات سنه توشقان‌نیل که در نزد کسانی است بپردازند و علاوه هر چه بماند از بابت... کاری که صفاءالملک وزیر مختار مأمور دربار که خیلی در عسرت هستند، داده شود و بعد از آن محل حقوق سفارت لندن از عایدات نفت باشد. چون این پیشنهاد متضمن صرفه و صلاح و آسودگی مأمورین دولت است، وزارت خارجه مترصد است که زودتر از تصویب هیئت محترم وزراء عظام بگذرد.

۹ - ۵ - ۲۵ - ۱۳۳۴ ق

سند شماره ۳۱

وزارت امور خارجه، اداره انگلیس

به تاریخ رمضان ۱۳۳۱

نمره عمومی ۲۸۵۳؛ نمره خصوصی ۶۶۶

کارتن ۵۴؛ دوسیه ۱۲

نوع مسوده: رقعہ؛ موضوع مسوده: در موضوع گرانی قیمة نفت

پاک‌نویس کننده: معز دیوان ۲ شعبان ۱۳۳۱

به وزارت جلیله فواید عامه

دو طغرا مرقومات جوابیه مورخه ۲۵ و ۲۶ شهر رجب ۱۳۳۱ نمره ۱۳۸ و نمره ۳۶۷ که متضمن سواد راپورت کمیسیری دولت علیه در باب مخلوط شدن نفت محمره به آب شط‌العرب بود، زیب وصول بخشید. اینکه مرقوم فرموده بودید که فی نفت ایران از نفت کمپانی بیرما ارزان تر به فروش می‌رسد و این مسئله تجارت است ترقی و تنزل نرخ عمومی آن منوط به (کونکورانس رقابت تجارتي خواهد بود علاج دیگری متصور نیست)، به طوری که در ضمن مشروحه جوابیه نمره ۲۱۶/۹۵۷ زحمت‌افزا شده است رعایت این نکته در موارد صحیح است که رقابت در کار باشد و دولت میزان قیمة به نتیجه رقابت جماعت همکار واگذار نکند، اما در مورد انحصاریه که تجارت‌خانه داخل متصدی فروش جنس است، نمی‌شود او را به اختیار خود واگذاشت، به خصوص در این مورد که دو دولت با کمپانی نفت شرکت منافع نیز دارد و در عربستان دیگر نفت بیرما به فروش نمی‌رسد و تجارت نفت بیرما سابقاً به توسط تجار ایران می‌شده که حالیه از ترس آنکه مبدا کمپانی نفت انگلیس ایران نفت خود را دفعه ارزان نماید، جرئت وارد کردن نفت بیرما را ندارند. حالا که رقابتی در کار نیست، اعم از اینکه در امتیازنامه ماده مربوط به نرخ نفت قید شده یا نشده باشد، دولت باید دخالت کرده، نگذارد اهالی مورد تعدی کمپانی واقع شوند و به واسطه سوء رفتار کمپانی مزبور،

شکایت‌نامه‌های متعدد از عربستان رسیده بود که سواد آن‌ها در ضمن مشروحات سابقه ارسال داشته، ملاحظه فرموده‌اید و مقصود وزارت امور خارجه تعدیل میزان قیمة است اینکه مرقوم داشته بودید (کمپانی نظام‌نامه که تکلیف و وظیفه کمیسر را معین می‌نماید. (اوکای) خود به زبان انگلیسی نوشته و مشغول ترجمه آن هستیم) این مسئله مسلم است که تعلیمات مندرجه در نظام‌نامه کمپانی چندان به صرفه دولت مقرون نخواهد بود و باید کسری دولت علیه مطیع تعلیماتی باشد که از طرف آن وزارت جلیله داده می‌شود و به طوری که مرقوم رفته بود، هر وقت ترجمه نظام‌نامه کمپانی تمام شد، به وزارت امور خارجه اطلاع دهید تا یک نفر هم از وزارت خارجه در آن وزارت جلیله حاضر و تبادل افکار نموده، نظام‌نامه برای ترتیب و تنظیم این کار تهیه نمایند که به موقع اجراء گذارده شده و هر روز اسباب اشکالات فراهم نشود و در باب محل اقامت کمیسر هم نظریاتی هست که شفاهاً باید مذاکره شود و این نکته بدیهی است که طرف بودن کمیسر با مدیر کمپانی دلیل بر اقامت او تمام فصول در لندن نخواهد بود، زیرا مسئله که اهمیت دارد، مراجعه به دفاتر مرکزی و محل کمپانی و حفظ حقوق دولت و اجراء مواد امتیازنامه است که باید در لندن و عربستان هر دو به عمل بیاید.

امضاء: عبدالله

حاشیه راست سند: دو طغرا مرقومات وزارت فواید عامه در لف مینوت است. در دوسیه مخلوط شدن نفت باب شط‌العرب ذکر شود، سواد راپورت کمیسری لندن هم در لف رقعه وزارت فواید عامه و در جوف است.

۲ - ۲۴۰۰۲۶۷۵

۱ - ۲۴۰۰۲۶۷۵

سند شماره ۳۲

نشان تاج و خورشید

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

سواد رقعه حاجی اسمعیل تاجر شوشتی و شرکاء مشهور بزرگر

بعد از عنوان کمپانی نفت (انگلو پرشیا) بنای فروش نفت در محمره صندوقی که محتوی نیم... نفت باشد سه روپیه و نیم گذارده و حال آنکه قبل از تصفیه نفت محمره کمپانی‌های دیگر نفت را از هند و از نقاط دیگر وارد نموده که دو روپیه و سه ربع می‌فروختند. حال خوف آن دارند که هرگاه بیاورند کمپانی انگلو پرشیا کمتر بفروشد و ضرر به آن‌ها برسد، لهذا استدعای عاجزانه به واسطه ترفیه حال فقرا می‌نماید که مقدور فرمایند تحقیق بشود کمپانی (انگلو پرشیا) در (برما) که کشف مفصل نفت از سنن ماضیه نموده‌اند چه قیمت می‌فروشند به کمپانی ماها که در آن‌ها در عربستان و در بنادر دو روپیه سه ربع فروش می‌کردند و به اهالی نقاطی که معدن نفت در آن نقاط است چند می‌فروشند چون فروش متفرقه با فروش کلی به کمپانی فرق دارد، دیگر تمنا می‌نماید رسماً من غیر رسم روی کاغذی بدون امضاء دستورالعمل بدهید که از چه راه

و به چه وسیله می‌توان انگلو پرشیا را ملتزم نموده که به قیمت سایر نقاطی که معدن نفت در آنجا هست، در ایران خصوص در محمره فروش نماید چون فرق معامله سالی ۸ لک رویه می‌شود و تقریباً و با این فقر عمومی ملت که مورث تنگی دولت است، ملاحظه اقتصادی بر تمام وطن خواهان خصوصاً نمایندگان دولت علیه لازم و راهنمایی ملت به وسایل مختلفه الزام است. ان‌شاءالله تعالی به زودی بذل مساعد فرموده به صدور دستورالعمل را بین تقسیم فرمایید عنوان مراسلات. بصره کاروانسرای شوستر حاجی اسمعیل تاجر شوستری و شرکاء مشهور برزگر. ایام شوکت مستدام باد.

سواد مطابق اصل است

مهر: وزارت امور خارجه اداره تحریرات انگلیس

۲۴۰۰۰۵۷۳۸ - ۴۰۵

سند شماره ۳۳

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فوائد عامه

نمره کتاب ثبت ۱۰۰۸

تاریخ خروج ۲۶ ربیع الاول ۱۳۳۱

آقای صدیق السلطنه

دو سه فقره عرض حال از تجار در خصوص بی‌اعتدالی کمپانی نفت جنوب رسیده که سواد یکی از آن‌ها را محض حصول آگاهی برای شما ارسال داشته، مخصوصاً تأکید می‌نماید که اولاً تحقیقات لازم نموده چنانچه فی‌الحقیقه این طور است که در عرض حال آن‌ها مرقوم است؛ البته با کمپانی مذاکره هم قدغن نمایم که این طور سخت‌گیری در فروش نفت در خود ایران نشود و ثانیاً لازم است هر هفته از تحقیقات خودتان اطلاع از هر چه حاصل فرموده‌اید به وزارت فوائد راپورت دهید که در موقع لزوم از کلیه عمل با اطلاع باشد.

امضاء: ناخوانا

۲۴۰۰۰۵۷۳۸ - ۴۰۷

سند شماره ۳۴

هو

۱۸ ج ۱ بصره بصره الی تهران

حضرت امنج امجد اشرف عالی وزارت جلیله تجارت و فواید عامه دام شوکت

به شرف عرض اقدس عالی می‌رساند ذهی سعادت که مفتخر به جواب ذیل بشوم - س ۱ علت اینکه فقط آمریکا و نطفی که تجارت روسیه در بنادر می‌آورد و می‌فروخت صندوق ۴ الی ۱۰/۵ قران به تفاوت اوقات

و حال از خوف اینکه مبادا کمپانی نفت ایران با آنها رقابت کند نمی‌آوردند - کمپنی نفت ایران پانزده قران می‌فروشد به اهالی محمره چیست - س ۲ ترتیب بانک شهنشاهی که هرگاه قران اندک شکستگی یا ترکیده باشد نمی‌کرد؛ یعنی صد و بیست پول دولت را محض ترویج نوط خودش را می‌زند که مردم فقط نوط (بیست بانک) را داد و ستد نمایند و الی حال از جانب وزارت جلیله اقدامی نشده چه می‌باشد. س ۳ - میزان نوال حمل و مسافرین راه آهن آتیه ایران و حال آنکه خرجش کمتر از سایر ممالک است از روی چه قرار است - س ۴ - با وجودی که امتیازات و دست‌خط‌های دولت علیه که به اجانب داده شده در موقع اجراست، ولی دست‌خط وزارت فواید عامه - دام شوکت - که به میرزا عبدالله طهرانی مقیم محمره در خصوص گمرک (کالتیک سرا) که یکی از اجزاء صابون تبریز است اجرا شده و حال آنکه کمپنی زیگلر در بوشهر و حاجی میرزا غلامحسین طهرانی در محمره سابقاً یعنی یک سال قبل از امتیاز عبدالله طهرانی یک من ۱۰۰ دینار گمرک داده‌اند و بعد از آن میرزا عبدالله طهرانی دخالت جهت خدمت به ملت نوعی کند که پول خارجه می‌رود و جهت صابون و یکمن یققران از او گمرک (کالتیک سرا) خواستند وزارت جلیله فواید عامه دست‌خط یک من ۲۰۰ دینار فرموده چرا اجرا نشده. زیاده ایام به کام باد. عنوان حقیر به توسط حاجی اسماعیل شوشتری عنوان گردید.

حسن شوشتری

۲۴۰۰۵۷۳۸ - ۴۶۶

سند شماره ۳۵

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت تجارت و فلاحت و صنایع

نمره ۵۳ مورخه دویم ربیع الاول سنه ۱۳۲۵

فدایت شوم، رقیمه مبارکه که در باب معمولی نفت شرف وصول ارزانی داشت. سابقاً به ملاحظه مضرات حریق و غیره که در انبار نمودن نفت در داخل شد ملحوظ است و باید رعایت شود قرارداد داده بوده‌اند نفت در بیرون شهر انبار شود و تجار نفت فروش به قدر کفاف روزانه از انبار بیرون شهر در آورده، وارد شهر نمایند. چون این فقره برای تجار تولید زحمت و مخارج کرده بودند به وزارت تجارت تشکی و با میل خاطر قرار دادند انبار بیرون شهر موقوف و نفتی که وارد می‌شود یک‌سر وارد شهر شود و از جانب وزارت تجارت هم مأمورین معین که مراقبت نمایند همه روزه به قدر کفاف روزانه وارد نمایند و مخارج این کار را هم خودشان قبول نموده مبلغی که از... گرفته می‌شود تا به حال داده‌اند. حالا اگر میل دارند که نفت وارد شهر نمایند، مقرر فرمایند معمولی که می‌دادند بدهند، و الاً باز انباری در بیرون شهر مقرر شود که نفت در آنجا انبار نموده و همه روزه خود تجار به قدر کفاف روزانه از انبار استخراج نموده، بیاورند. ایام شوکت مستدام.

۱۳ - ۱ - ۲۲ - ۱۳۲۵ ق